



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
 شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ • ۱۶ شعبان ۱۴۴۶ • 15 Février 2025
 ۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و بیست و هشت
 www.asrghanoon.ir

طرح پوچ

هاآرتص: سطل زباله تنها جای مناسب برای طرح ترامپ است

«عبدالملک بدرالدین الحوثی» روز پنجشنبه در سخنانی با اشاره به تحولات منطقه و طرح دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای کوچ اجباری مردم غزه به کشورهای همسایه افزود: اگر آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به زور این طرح را اجرا یا با رژیم‌های عربی برای اجرای آن توافق کنند، ما حتی با نیروی نظامی وارد عمل خواهیم شد.

وی ادامه داد: هرگز ساکت نخواهیم ماند که آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها با توسل به زور به سمت اجرای طرح نادرست، ظالمانه، دشمنانه و جنایتکارانه خود حرکت کنند و اگر آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها با زورگویی به سمت اجرای طرح کوچ اجباری مردم غزه بروند با حملات موشکی، پهپادی، عملیات دریایی و دیگر ابزارها وارد عمل خواهیم شد.

مردمی سازی به جای مذاکره



ما در یک جنگ اقتصادی هستیم و در این جنگ اقتصادی امیدی به شرکت‌های دولتی که ناکارآمدی آنها از دهه ۶۰ معلوم شده بود نیست و به همین دلیل دولت سازندگی از آنها قطع امید کرد و به سمت نگاه سرمایه‌داری رفت

۲

چالش مذاکره و راه خروج ایران از بن بست



ارزیابی - هر مذاکره زمانی سودمند است که طرفین قدرتی متناسب با مطالبات خود داشته باشند، در آن صورت امکان توافق برد-برد فراهم است.

۲

عقلانیت، یک آرمان انقلابی است



جایگاه عقل و ارزش عقل در اسلام مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، قرآن کریم و روایات است و به همین جهت می‌بینیم کدام از متفکران مسلمان اگرچه در محدوده‌ی تأثیرگذاری و اعتبار عقل مباحثی داشتند ولی در اصل اصالت و ارزش عقل هیچ تردیدی نداشتند.

۴

تغییر ساختار نظام اجرایی



ما باید زمینه حضور فقه در سیستم اجرایی را فراهم کنیم. این زمینه‌سازی در گام اول می‌تواند در سطح جعل قانون و یا تفاهم‌نامه باشد

۴

تبدیل ایران به هاب غذا



شرکت‌های بزرگ صنایع غذایی می‌توانند به عنوان تسهیل‌گر دیپلماسی اقتصادی عمل کنند و نقش آفرینی دولت را در این حوزه تقویت نمایند.

۵

دولت موانع گردشگری را برطرف کند



توسعه سواحل مکران که یک چهارم از مرز دریایی کشور را تشکیل می‌دهد به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد.

۵



پیشخوان
 Pishkhan.com

محسن‌رادی

دکتر محسن رادی مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به بهانه بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های بخش خصوصی به گفت‌وگو با روزنامه جوان، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

■ دلیل اینکه رهبر انقلاب چند سال است خودشان وارد عمل شده‌اند و نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های بخش خصوصی را در حسینیه امام خمینی (ره) که محل دیدارهای رهبری است برگزار می‌کنند، چیست؟

این مسئله بازمی‌گردد به نگاه و درکی که رهبر انقلاب از صحنه مبارزه در حال حاضر دارند. به نظر می‌رسد عرصه‌ای که ما الان مشغول مبارزه و درگیری در آن هستیم نه عرصه نظامی است و نه سیاسی، بلکه عرصه اقتصادی است. قاعدتا اگر رهبر انقلاب وضعیت را به گونه‌ای می‌دیدند که ما در جنگ نظامی هستیم نمایشگاه دستاوردهای نظامی را باید برپا می‌کردند و غیر از آن از رژه نظامی‌ها باید سان می‌دیدند، اگر درگیری، درگیری سیاسی هم بود قاعدتا جلسه باید با حضور سیاستمداران و دست‌اندرکاران بخش‌های سیاسی و دیپلماسی برگزار می‌شد، اما وقتی با این شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری و استارت‌آپ جلسه می‌گذارند، معنای آن این است که ما در جنگ اقتصادی هستیم و راه‌حل هم دقیقاً همین جوانان و افرادی است که می‌توانند موتور محرکه پیشرفت اقتصادی باشند. بنابراین من تعبیر می‌کنم به اینکه بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه دستاوردهای این شرکت‌های دانش‌بنیان سان دیدن فرمانده کل قوا از افسران، ژنرال‌ها و سربازان جنگ اقتصادی است. چون اگر قرار باشد تحولی در عرصه اقتصاد اتفاق بیفتد، دقیقاً از سوی همین گروه‌ها رخ می‌دهد. در آمریکا، انگلستان، چین و هند همین شرکت‌های استارت‌آپی و فناوری بودند که توانستند اقتصاد را شکوفا کنند، یعنی با فناوری‌هایی که اختراع و کاربردی کردند، توانستند ارزش‌آفرینی و خلق پول کنند و کشور خود را رشد دهند.

■ رهبری می‌فرمایند من از پیگیری‌نشدن مسائل کارآفرین‌ها احساس شرمندگی کردم. این موضوع باید چه تأثیری روی مسئولان داشته باشد و چرا با وجود پیگیری رهبری این مسائل حل نمی‌شود؟

اینکه رهبر انقلاب می‌فرمایند من احساس شرمندگی کردم یکبار دیگر نیز اتفاق افتاده و ایشان در مورد مسائل اقتصادی دقیقاً همینطور فرموده بودند که من شرمند می‌شوم وقتی پدری یا فردی نمی‌تواند از پس معیشت خودش بر بیاید و کسی جلوی خانواده خود شرمند می‌شود در درجه اول این شرمندگی برای نظام جمهوری اسلامی است. رهبر انقلاب در واقع از طرف و به نیابت از مقامات دولتی چنین فرمایشی داشتند و گرنه حقیقت این است که این شرمندگی به رهبر انقلاب باز نمی‌گردد، بلکه به کسانی برمی‌گردد که در زمینه تقویت و تسهیل روند کار این گروه‌های مردمی فناوری نوپا مسئولیت مستقیم دارند که باید زمینه رشد و ارتباط این گروه‌ها با طرف‌های خارجی را فراهم و از اینها حمایت می‌کردند تا رشد کنند و نکرند. این شرمندگی بر پیشانی این دولتمردان و سیاستمداران است و لکه ننگی که بر دامن این افراد ثبت شده و البته وقتی آنها اظهار شرمندگی نمی‌کنند رهبر انقلاب مجبور است جور آنها را بکشد و از ناحیه آنها چنین مطلبی را بیان کند. واقعیت این است که در کشورهای نه خیلی توسعه یافته که سیاستمداران آنها خیلی آموخته نیز نیستند این مسئله را بلد هستند و حتی کشورهای منطقه مانند ترکیه را هم اگر نگاه کنیم رشد گروه‌های استارت‌آپی، نوپا و فناوری تسهیل شده، ولی متأسفانه این مسئله هرگز از سوی

مردمی‌سازی به جای مذاکره

دولتمردهای ما در همه دولت‌ها فارغ از اینکه رئیس‌جمهور چقدر زحمت کشیده با وجود اینکه اغلب زحمت فراوان هم کشیده‌اند، تسهیل نشده و بدنه کرخت، سنتی و خموده دولتی هرگز حداقل حمایت را از این گروه‌ها به عمل نیاورده و چه بسا سیاست‌هایی را اجرا کرده‌اند که موجب تضعیف این گروه‌ها و شرکت‌ها شده و مانعی بر موانع پیش‌روی آنها افزوده است. گزارش‌های فراوانی در این زمینه هست که خیلی از آنها خدمت مقام معظم رهبری بیان شده و این گروه‌ها نیز بیان کرده‌اند و در واکنش به این گزارشات بود که آقا این اظهار شرمندگی را فرمودند، ولی گزارش‌هایی که اینها می‌گویند اسفناک است که با یک غربت و مظلومیتی مواجه هستیم و مقامات دولتی خیلی ترجیح می‌دهند که با طرف‌های خارجی با قیمت گزاف و با خطرات و ریسک بیشتر کار کنند تا با این جوانان ایرانی. اتفاقی که اگر نگوییم یک نوع خیانت که حداقل نشانه بی‌عزگی و نقص فهم است که شرمندگی را به دنبال دارد.

■ اینکه قانونی مانند تسهیل صدور مجوزها در دولت جدید به فراموشی سپرده می‌شود چقدر با رهنمون‌های اقتصادی رهبری هم راستاست؟

همانطور که عرض کردم ما در یک جنگ اقتصادی هستیم و در این جنگ اقتصادی امیدی به شرکت‌های دولتی که ناکارآمدی آنها از دهه ۶۰ معلوم شده بود نیست و به همین دلیل دولت سازندگی از آنها قطع امید کرد و به سمت نگاه سرمایه‌داری رفت. دلایلش هم این بود که شرکت‌های دولتی واقعا در تولید ثروت مؤثر نیستند و جز ضرر و زیان چیزی به همراه ندارند. پس در این جنگ اقتصادی نه شرکت‌های دولتی مؤثر هستند و نه شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری خیلی می‌توانند کمک کنند تا در این ۳۰ سال که کشور به سمت خصوصی‌سازی رفته بتوانند تحول عمیق اقتصادی را ایجاد کنند. اغلب دنبال منافع خودشان هستند و سررشته فسادها به این شرکت‌ها برمی‌گردد که از رانت‌ها استفاده کردند. در این شرایط به نظر می‌رسد تنها چیزی که باقی‌مانده است این شرکت‌های کوچک مردمی هستند، رهبر انقلاب هم آنجا تصریح و تأکید می‌کنند شرکت‌های خصوصی تنها راه نجات و پیشرفت کشور است دقیقاً به جنبه غیردولتی اشاره دارند والا خیلی از شرکت‌هایی که آنجا بودند از لحاظ ماهیت حقوقی تعاونی هستند و خصوصی به معنای اینکه در انحصار چندتا سرمایه‌دار باشند، نبودند، بلکه شرکت‌های تعاونی یا شرکت‌های نوپایی بودند که با سرمایه اندک برخی از جوانان و با اتکا به فناوری، سواد و دانش و سرمایه انسانی این افراد شکل گرفته است. برای حمایت از این شرکت‌ها حتماً دولت‌ها یکسری از اقدامات را باید انجام دهند. در این زمینه حتی بخشی از حاکمیت می‌رود قانون تسهیل صدور مجوزها را تصویب می‌کند، اما دولت‌ها در اجرای این قانون کوتاهی می‌کنند و چه بسا در اجرای این قانون مقاومت می‌کنند و اینجاست که نشان می‌دهد تعارض منافی وجود دارد. عده‌ای از دولتی‌ها منفعشان در این است که این شرکت‌های نوپا نتوانند رشد کنند و اقتصاد همچنان در دست حلقه‌های بسته و حلقه‌هایی که کاملاً انحصاری هستند، باقی بماند. به هر حال این نوع برخورد فقط موجب تضعیف ایران در جنگ اقتصادی می‌شود و به نظر می‌رسد عوامل زیادی وجود دارد که دولت‌ها نتوانستند کاری برای این شرکت‌های تعاونی انجام دهند و همان نگاه قدیمی و منسوخ خودشان را دارند که می‌خواهند از طریق شرکت‌های دولتی یا بخش سرمایه‌داری، اتاق بازرگانی و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌خواری به جای سرمایه‌داری، تلاش



می‌کنند اقتصاد را اداره کنند و به جلو ببرند.

■ تصور می‌کنید این تحول اساسی از نظر رهبر انقلاب چگونه اجرا می‌شود؟

من برای اینکه نگاه رهبر انقلاب را کمی بیشتر باز کنم، سه جریان و نگاه را از هم متمایز می‌کنم؛ نگاه اول این است که همه چیز الان در مسیر درستی است و اگر با همین دقت و نظمی که فعلاً برقرار هست و با حفظ شرایط موجود حرکت کنیم می‌توانیم قله‌های پیروزی را فتح کنیم، نگاهی که خیلی از تکنوکرات‌ها و بروکرات‌های ما دارند و معتقد هستند که باید همین وضعیت را حفظ کرد و همه چیز عالی است و هیچ نیازی هم به تغییر و تحول نداریم. این یک نگاه متحجرانه، عقب‌مانده و منسوخی است که کاملاً بومی محافظه‌کاری می‌دهد و به نظر می‌رسد با واقعیت‌ها هیچ سنخیتی ندارد.

نگاه دوم نگاهی است که بعضی از اصلاح‌طلب‌ها دارند و به نظر می‌رسد در این دولت هم توانسته جای خودش را باز کند. البته منظور این نیست که دولت طبق این نگاه اداره می‌شود، بلکه منظور این است کسانی که صاحب این نگاه هستند، توانسته‌اند در دولت هم حضور پیدا کنند صدای آنها از طریق دولت گاهی از اوقات شنیده می‌شود، ولی منظور این نیست که صدای دولت منحصر این صداست. این نگاه دوم به جای مردم و توجه به ظرفیت‌های داخلی می‌گوید بیشتر به بهبود رابطه با کشورهای خارجی توجه داشته باشیم، یعنی به اتکای آمریکا و مذاکره با اروپا و نه به اتکا مردم مشکلات خود را حل کنیم و آن فرمایش رهبر انقلاب که فرمودند: اگر ما به توانمندی‌های داخلی و سرمایه‌هایی که بخش خصوصی در ایران دارد، توجه کنیم ممکن است از سرمایه‌گذاری خارجی بی‌نیاز شویم دقیقاً در تعارض با این نگاه است که می‌گویند منحصر اگر می‌خواهیم مشکلات و ابرچالش‌های ما حل شود چاره‌ای جز مذاکره و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نداریم و اینقدر که مذاکره با آمریکا و اروپا مورد توجه خیلی از سیاستمداران هست متأسفانه مذاکره، کنار آمدن و گفت‌وگو کردن با مردم مدنظر آنها نیست.

نگاه سوم که به نظر رهبر انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهند، این است رجوع به مردم موجب تحول می‌شود و اگر قرار باشد تحولی اتفاق بیفتد دقیقاً از طریق همراه شدن و همراه کردن مردم و اثرگذار کردن مردم در تصمیم‌سازی‌هاست. اگر کسی به این راه‌حل سوم اعتقاد داشته باشد برای معاونت راهبردی رئیس‌جمهور باید فردی قرار بدهد که یک نگاه اقتصادی و مشارکت‌جویانه داشته باشد و این معاون کسی باشد که معتقد و متخصص برقراری رابطه با مردم باشد نه کسی که متخصص سیاست خارجی است. اولویت اول رئیس‌جمهور باید آشنی با مردم باشد نه آشنی با اروپا و آمریکا باشد.

ادامه دارد

طرح ترامپ و معامله قرن



صهیونیستی خدمت کند.

شاید کسی بخواهد به نوکری نظام سلطه افتخار کند، اما بسیاری از ایرانیان و آزادگان این ذلت را نمی‌پذیرند.

در این مسیر، جمهوری اسلامی اما راه هوشمندانه‌ای دارد:

می‌گوید باشه شما نرمال شوید ولی من پرچم تمایز - ضد نرمال شدن - را برمی‌دارم.

حالا بخشی از ملت قوم عرب، از هر کشوری که نمی‌خواهد نرمال شود و نمی‌خواهد سرباز اسرائیل باشد، را جذب می‌کنم.

حالا شما فرض کن ده درصد یک میلیارد مسلمان.

یعنی سیاه صد میلیونی دارم و آن را علیه ناتوی عربی- اسرائیلی فعال می‌کنم به صورت گروه‌های مستقل خود مختار مثل حزب‌الله مثل یمن، مثل حماس...

مرز دانش را جمهوری اسلامی هزینه می‌کند و جلو می‌برد و به طور مجازی به این جنود الله می‌دهد که از منابع خود برای

چالش مذاکره و راه خروج ایران از بن بست

سیدآرش وکیلان

شیر پیری در بیشه ای می‌زیست و هر روز گاوی، گوسفندی و آهوی ضعیفی را شکار میکرد. البته همزمان می‌کوشید که گله‌ها پرواز بمانند و به او معترض نشوند. چارپایی هم در بیشه بود که مدام معترض و مزاحم شکار شیر میشد. برخی می‌گفتند گوزن است و برخی دیگر معتقد بودند که خر است.

شیر مدت‌ها بود که می‌کوشید جلوی چرا کردن او را بگیرد و تا حدی او را لاغر کرده بود، اما نه آن قدر ضعیف که قابل شکار باشد. خلاصه بعد از مدتی که گرسنگی به آن چارپا فشار آورد، چند روباه و شغال و ... را فرستاد تا چارپا را ترغیب کنند برای مذاکره به کنام شیر برود و از سوی دیگر هم خود مرتب تهدید می‌کرد که اگر آن چارپا به کنامش نرود، به او حمله خواهد کرد.

اینجا بود که چارپای قصه ما گیج شد و گاهی با خود فکر میکرد نکند به کنام شیر بروم و او ناغافل مرا بخورد یا نکند که نرم و از گرسنگی بمیرم؟! چه کنم که نه با شیر رودررو شوم و نه با او بجنگم؟!

و اما ایران

چرا ایران دچار چالش مذاکره شده است؟

دلیل خارجی- ایالات متحده آمریکا مطالباتی دارد شامل تضعیف قدرت موشکی، قدرت منطقه‌ای و توقف برنامه هسته‌ای ایران است. برای دستیابی به آن مجموعه وسیعی از تحریم‌ها را برای ورشکستگی یا دست کم رکود اقتصادی ایران اعمال کرده است. در ازای این امتیازات می‌خواهد تحریم را شل یا موقتاً متوقف کند. البته بعداً هر وقت بخواهد می‌تواند مجدداً آن را سفت کند.

دلیل داخلی- مذاکره به یک مسأله سیاست داخلی تبدیل شده و صرفنظر از کامیابی یا ناکامی آن، اصل مذاکره کردن یا نکردن به عامل هویت یابی سیاسی و آرایش جناحی تبدیل شده است.

ارزبایی- هر مذاکره زمانی سودمند است که طرفین قدرتی متناسب با مطالبات خود داشته باشند، در آن صورت امکان توافق برد- برد فراهم است. اما اگر یک طرف قدرتی بسیار بیشتر داشته باشد به صورتی که بدون دادن امتیاز واقعی طرف مقابل را وادار به تسلیم کند، مذاکره به صورت رابطه برد- باخت در می‌آید.

اگر رابطه برد- باخت در یک موضوع جانبی و فرعی باشد، چندان مهم نیست اما اگر کشور مجبور باشد قدرت دفاعی اش را کاهش دهد تا در ازایش به طور موقت و محدود برخی محدودیت‌ها و تحریم‌های اقتصادی کاهش یابد، آن وقت ریسک این مذاکره بسیار زیاد می‌شود.

البته اگر کشور راهکار دیگری برای حل مشکل اقتصادی هم نداشته باشد، مذاکره نکردن منجر به ورشکستگی تدریجی خواهد شد.

به نظر می‌رسد در این شرایط برای حل چالش موارد زیر باید لحاظ شود:

اولاً باید نظام یک استراتژی اقتصادی واقع بینانه برای برون رفت از بحران در شرایط تحریم داشته باشد. تا زمانی که آمریکا فکر میکند ایران در تله تحریم اسیر است، محال است مذاکره بر مبنای قاعده برد- برد انجام شود.

ثانیاً کشور باید موضوعات غیرحیاتی که شامل توان دفاعی نشود را پای میز مذاکره بگذارد. یعنی اگر دستور کار مذاکره توان دفاعی کشور باشد، پیشاپیش ایران طرف بازنده است. اگر مذاکره بر سر کاهش تحریم در برابر کاهش قدرت دفاعی باشد، ایران چیزی دست آخر به دست نخواهد آورد.

ثالثاً اگر به هر دلیل مذاکره مفید هم باشد، موضوع امنیت ملی نباید به موضوع جناح بندی داخلی تبدیل شود.

چرا که حتی اگر گروهی نظام سیاسی را قبول هم نداشته باشند باز حفظ توان دفاعی کشور جزو اولویتهای اساسی منافع ملی است، چه برسد برای جناح‌هایی که در حکومت هستند.

خود سلاح دفاع بسازند.

این‌طور مفهوم طیرا اباپیل یعنی گروه‌های مستقل کوچک خودمختار شکل می‌گیرد که مانند حماس با ابتکار خویش عمل کند.

حالا ببینیم ناتوی نظام سلطه قویتر است یا جمهوری اسلامی! این راهبردی است که رهبر انقلاب از سوره فیل یاد گرفته است و در حال پیاده‌سازی آن است.

علی‌ذوعلم

از نظر رهبرانقلاب عقلانیت، یک آرمان انقلابی است

آن اعماق قرآن را دریافت کنیم.

■ آن گونه که بیان کردید نه تنها آن تضاد بین عقل و دین که در برخی از آئینها و فرق دینی گفته می شود در اسلام وجود ندارد بلکه عقل و وحی در کنار هم هستند و عقل کمک می کند که فطرت بارور شود؟

بله اصلاً نقطه ی آغاز عقل، فطری است به شرط اینکه موانعی مثل شهوات و تعصبات برطرف بشود که پیامبران می آمدند که این موانع را برطرف کنند و بعد اینها با هم ارتباط متقابل پیدا می کنند. یعنی هر مقدار ایمان قوی تر بشود موانع عقل را بیشتر برطرف می کند و هر مقدار عقل تقویت بشود ایمان تقویت می شود و در یک مدار تعاضدی به سوی عقل وحیانی، این عقل سوق پیدا می کند. عقل وحیانی آن عقل بسیار برتری است که در قله قرار دارد و با تکیه بر معرفت وحیانی به این عقل رسیده. یعنی عقلی که به خالق عقل، به منبع عقل به خدای متعال متصل است.

آن حکمت الهی. آن حکمت الهی در جهان بشری در پیغمبر اکرم صلی الله علیه آله وسلم بیشترین تبلور را داشته است.

بعثت نبی برای این بوده که انسان را از این عقل فطری که ضعیف است، نحیف است و نیاز به تقویت دارد حرکت بدهد به آن عقل وحیانی که یک عقل مستحکم ریشه دار در انسان شکل گیرد و این می شود همان «العقل ما عید به الرحمن و اكتسب به الجنان» نگاهش فقط دنیا نیست بلکه افقی فراتر از باز می کند به آینده ی بشر بعد از این جهان .

خود معاد هم متکی بر عقلانیت است، البته جزئیاتش را همان منبع وحی می تواند بیان کند، چون عقل بشر به هر حال یک عقل ناقصی است. عقلی است که می تواند نقاط اساسی را تشخیص بدهد، ولی در جزئیات و در اینکه چه روشی میتواند ما را به آن هدف برساند دیگر عقل حکمی ندارد و خود عقل هم حکم می کند که من حکم ندارم. یعنی خود نیاز ما به معرفت وحیانی را اثبات می کند. دلیل بحث نبوت هم عمدتاً همین هست. ما برای حرکت متعالی نیاز داریم به راه شناسی، و اینکه مسیر را بشناسیم. این مسیر را عقل ما نمی تواند به دقت برای ما روشن کند، کلیات را میتواند بیان کند و آن مصداقها و موارد بسیار کاربردی را باید حتماً دین به ما ارائه بدهد که از طریق دانش وحیانی است.

■ شاهد هستیم که در رسانه ها و مطبوعات خارجی و از برخی تریبون ها از واژه عقل استفاده می شود و به منافع اقتصادی یا سودهای مقطعی اشاره می شود و یا اینکه برخی رسانه های غربی، جمهوری اسلامی را به رفتار عقلانی در مرادفات منطقه ای دعوت می کنند. این گونه سخن ها را چگونه می توان تفسیر و تحلیل کرد؟

ببینید غربی ها این تعبیر را به استعمار خودشان درآورده اند یعنی استعمار اینها شامل الفاظ هم شده است و سعی کردند که این الفاظ را صرفاً به عنوان یک ابزار فشار روانی و رسانه ای به کار ببرند. اگر رفتار عقلانی رفتاری بر اساس قوانین بین الملل است، خوب ما باید روی آن بحث کنیم. اگر رفتار عقلانی به معنای وفای به عهد و اینهاست، تعامل انسانی است که می بینیم خود اینها رفتارشان غیرعقلانی است. یعنی اگر مثلاً فرض کنید کشوری بگوید که من می توانم فناوری هسته ای داشته باشم تو نمی توانی، به نظر شما این حرف عقلانی است؟ نه کاملاً غیرعقلانی است. چون برابری

یک انسان را زیر سؤال برده است. کرامت انسان را زیر سؤال برده و تبعیض آمیز است. از اول رفتار غرب با غیر غرب عقلانی بوده است؟ مثلاً رفتار انگلیس با هند عقلانی بوده است؟ رفتار فرانسه با الجزایر عقلانی بوده؟ همین الان، رفتار فرانسه با این چند کشوری که در آفریقا هستند عقلانی است؟ آیا خود فلاسفه ی غرب قبول دارند که اینها رفتارشان عقلانی است. می دانید چقدر انتقاد می شود به همین روش احزاب و به همین کاری که در عرصه سیاسی و حکمرانی که دارند انجام می دهند. بنابراین این نوع موارد یک سوءاستفاده ی از لفظ است و اصلاً نمی شود وارد بحثهای گفت و گویی بشویم. آنها اساساً واژههایی مثل لیبرالیسم و حقوق بشر و دموکراسی را به استخدام اهداف استکباری خودشان درآورده اند. یعنی می خواهد مخاطب خودش را قانع کند که حرف من درست است، یک لفظ عقلانی هم می آورد.

■ رهبر انقلاب اسلامی در روز میثت بیان داشتند: «شما نگاه کنید به غزه! غزه منطقه ی محدود کوچک، رژیم صهیونیستی تا دندان مسلح و دارای پشتیبانی کامل آمریکا را به زانو درآورد؛ غزه رژیم صهیونیستی را به زانو درآورد! این شوخی است؟ این همان رشحه ای از بعثت است؛ این همان ایمان و عقل است؛ این همان تلاوت آیات قرآن است؛ این دل بستن به خدا است؛ این همان اعتقاد به «ان العزة لله جميعاً» است.» لطفاً این فراز از بیانات رهبر انقلاب را از منظر توجه دادن ایشان به عقل و اینکه دفاع مردم غزه از نشانه های عقلانیت است را تشریح کنید.

عقل فطری که در همه ی انسانها وجود دارد این تشخیص میدهد که ظلم بد است و عدل خوب است. تجاوز بد است، استکبار بد است، اینها را عقل تشخیص می دهد و عقل مستقلاً در این باب نظر دارد و می تواند حرفی بزند و اگر در منابع نقلی هم در این باب مطلبی هست، این ارشاد به حکم عقل است. عقل وقتی عمیق می شود خود به خود افقهای فراتر از ماده را هم می بیند. یعنی اینکه من نباید فقط امروز را ببینم. نباید فقط این واقعه



را ببینم، باید کلان را ببینم، باید مسیر را ببینم. این عقل از تجربه ی تاریخی هم استفاده کرده که در تاریخ گذشته هم هیچ ظالمی نتوانسته است به اهداف خودش برسد. و اگر کسی هم مظلوم واقع شده این مظلوم ضرر نکرده است، نهایتاً در واقع یا به نتیجه دنیوی رسیده یا به پاداش شهادت نائل شده است. اگر این مبارزات حق علیه باطل نبود هیچ رد پایی از حق الان در جهان دیده نمی شد. همین ها بوده که به عنوان سرعتگیر و به عنوان از اینکه بتواند استعمار و استکبار تمام هدف خودش را تحمیل کند، جلوگیری کرده است. اینها هم حکم عقل است. دین این عقلانیت دفاع از حق و عقل ایستادگی در مقابل باطل را در انسان مؤمن تقویت کرده است، این فلسطینی مبارز مسلمان اهل غزه تشخیص داده است که در مقابل این باطل اگر نایستد همه چیز خودش را از دست خواهد داد، ضرر خواهد کرد. پس ایستاد و با این ایستادگی هم در واقع توانست شکست را هم بر دشمن تحمیل کند.

دین اساساً مُمد عقل انسان است و به عقل کمک می کند. یعنی طبق آیه ۵ سوره علق، «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» میشود. آنچه که خود انسان نمی تواند با تجربه کشف کند این عقل الهی به انسان می دهد. وقتی ایمان آورد به آن سنت الهی، ترکیب این عقل و ایمان، آن پیروزی را رقم می زند. در طول تاریخ هیمنه ی ظاهری باطل خیلی فراتر از توانمندی اهل حق بوده. اهل حق با همین ایمان و عقل ایستادگی کردند که راه حق پیش رفته است بعد ممکن است در یک چرخه ای یک شکست ظاهری هم بخورند. این شکست ظاهری موجب می شود که آن پیروزی باطنی حاصل بشود و راه را برای یک عده ی دیگری باز کند. قصه ی غزه یک تجربه ی تاریخی برای کشورهای جهان شد یعنی شما خواهید دید که در دهه های آینده، ملت‌هایی خواهند بود که در مقابل استکبار بیشتر ایستادگی خواهند کرد به خاطر این درسی که از غزه گرفتند و عبرتی که در عمل حاصل شد .

■ مسئولین سیاسی چگونه می توانند با استفاده از قوای عقلانی حقایق را به خصوص در مواجهه با دشمن، تشخیص دهند؟ در مواجهه با وعده‌های دشمن چگونه باید یک رفتار درست و منطقی از فرد صادر شود؟

مسئله ایمن بسیار مهم است. به دست آوردن طهارت درونی که خود به خود عقل پاک و عقل سلیم را در اختیار ما قرار میدهد، مهم است. عقل سلیم یعنی عقلی که تحت تأثیر شهوات و غضب قرار نگرفته باشد. یعنی ما اگر یک جایی دیدیم که می خواهیم یک مطلبی را به جمع بندی برسیم به خاطر اینکه فلان منفعت مادی زودگذر برای ما دارد، بعد هم در مرحله ی بعد ممکن است برای ما خطر داشته باشد، خوب اینجا معلوم است که عقل می گوید این کار را انجام نده.

یعنی کوتاه بین نباش، زمان حال را نبین. حرکات بعدی را هم ببین. برای همین محاسبه گری عقل سلیم، یعنی ما بررسی کنیم ببینیم که مثلاً اگر که دشمن الان دارد می گوید آقا بیا مذاکره کن، اولاً این مذاکره از یک موضع برابر است واقعاً؟ واقعاً مذاکره ای است که ما بتوانیم با هم یک تعاملی کنیم. یا اینکه نه این مذاکره بهانه‌ای است برای اینکه در واقع ما را تسخیر کند ما را دنباله رو خودش قرار بدهد. و اگر در گذشته مذاکراتی کردیم و به یک جمع بندی رسیدیم بعد از مدتها در واقع به یک پیمانی رسیدیم آیا وفای به عهد به آن پیمان داشته است یا نه؟

در مواجهه ی با عقلانیت نباید نفاق ورزید. باید صادقانه به عقلانیت توجه کرد. ملاکش هم به اعتقاد بنده همین برهان و استدلال و گفت و گو است، اینکه رهبر معظم انقلاب سالهاست دارند بحث گفت و گو، مناظره را مطرح می کنند برای همین است. چون در یک گفت و گوی و روبروست که می شود، مخاطب تشخیص بدهد کدامیک حرفش عقلانی تر است و منطقش منطقی محکم تری است. این گفت و گوها در محافل علمی و در محافل کارشناسی، در مراکز سیاست گذاری و برنامه ریزی باید به صورت جدی پا بگیرد. کرسی های آزاداندیشی راه بیفتند. در محافل سیاست گذاری هم باید برای نخبگان این فضا فراهم بشود که واقعاً گفت و گوهای دوسویه و با استدلال، منطقی و بدون تظاهر برود جلو تا اینکه ما بتوانیم ان شاءالله این فرآیند عقلانی بودن تصمیم هایمان را قویتر کنیم. البته وقتی به گذشته مان نگاه می کنیم میبینیم واقعاً نظام ما بعد از ۴۶ سال دائماً در این مسیر عقلانیت و عمیق تر شدن این عقلانیت پیش رفته و ما امروز میزان عقلانیت مان در مجموعه ی نظام حکمرانی مان خیلی از دهه های قبل تقویت شده است و البته این به کمک همین حرکت موفق فکری انقلاب اسلامی بوده است که در جامعه ی ما امیدواریم استمرار داشته باشد .



تغییر ساختار نظام اجرایی

احمد ره‌دار

■ اگر خواهان حضور بیشتر فقه در اداره کشور هستیم باید

ساختار نظام اجرایی را تغییر دهیم

پژوهشی را ما در اوایل دهه نود در مؤسسه فتح اندیشه انجام دادیم. در آنجا پرسش اصلی آن این بود که فقه در تجربه سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در ساختار اجرایی ما تا کجا رفته است؟ این سؤال در واقع داشت یک سؤال دیگری را پاسخ می‌داد و آن اینکه اساساً جمهوری اسلامی به‌واقع، به چه اندازه اسلامی است. پاسخ این سؤال این بود که ببینیم فقه تا چه اندازه وارد سیستم اداری شده است و به میزانی که فقه وارد نظام اداری ما شده است جمهوری اسلامی، اسلامی است. در آن پژوهش به چند نتیجه رسیدیم یکی این بود که نظام اجرایی ما هم در سطح سخت‌افزار و هم در سطح نرم‌افزار خود، به‌گونه‌ای طراحی شده است که اگر بیش از این مقدار فقه را درونش تعبیه کنیم پس می‌زند؛ یعنی اگر خواهان حضور بیشتر فقه در اداره کشور هستیم باید ساختار نظام اجرایی را تغییر بدهیم. این سکه یک روی دیگر هم داشت و آن این بود که نهاد فقهات ما نیز تلاش چندانی نکرده بود تا استلزامات حضور حدانکتری فقه در نهاد اجرا را به مدیران اجرایی پیشنهاد دهد؛ حتی مباحث جاری فقها نیز گویی امتداد همان مباحث قبل از انقلاب بود؛ و بود و نبود انقلاب هیچ تأثیری در رویکرد مباحث و پژوهش‌های فقها نداشته است. نمی‌گویم که تغییراتی صورت نگرفته است؛ بلکه انتظار خودم بین شتاب انقلاب اسلامی در بستر نظام سیاسی و ضرورت‌های حوزه علمیه را می‌بینم که متأسفانه بین این دو شکاف وجود دارد و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود. ما باید زمینه حضور فقه در سیستم اجرایی را فراهم کنیم. این زمینه‌سازی در گام اول می‌تواند در سطح جعل قانون و یا تقاهم‌نامه باشد. فرض کنیم اگر نهادهای اجرایی موظف شوند که برای تمامی طرح‌های خود که برای تصویب ارائه می‌کنند، یک ضمیمه فقهی هم ارائه کنند؛ چنین طرحی مدیر اجرایی را وادار می‌کند که در تدوین برنامه‌های خود، به سراغ نهاد فقهات بیاید. آن‌ه مدیر ما فقیه را به مشورت می‌طلبد و نه فقیه ما این حس و حال را دارد که مشورت بدهد.

زمانی ما به نمایندگی وزارت خارجه در قم مراجعه کردیم که تعدادی پرسش‌های پاسخ‌نیافته از نظر فقهی در حوزه بین‌الملل را در اختیار ما قرار دهد تا ما روی آنها تحقیق و مطالعه کنیم و پاسخ‌های فقهی آنها را در اختیار شما بگذاریم. خیلی استقبال کردند و گفتند اساساً یکی از فلسفه‌های حضور ما در قم، پیگیری چنین مواردی است؛ منتها چون از حوزه علمیه حرکت مثبتی ندیدیم لذا این مسائل بدون پاسخ مانده است. ما برگشتیم و یک تحقیقی کردیم، دیدیم ده دوازده نفر از اساتید درس خارج حوزه علمیه در زمینه‌های سیاست خارجی و مسائل بین‌الملل کتاب نوشته و منتشر کرده‌اند. تماس گرفتیم با آقایان که آیا از نهادهای سیاست خارجی و بین‌الملل، با شما تماسی، مشورتی، دعوت به همکاری و هم‌فکری‌ای یا مشارکت در سفری تاکنون صورت گرفته است؟ قریب به‌اتفاق آقایان اظهار بی‌اطلاعی کردند؛ درحالی‌که نهادهای اجرایی از فقهایی که در زمینه کاری‌شان تحقیق کرده‌اند باید لاقلاً یک ناهار کاری دعوت کنند تا فقها در جریان کار آنها قرار گیرند و بتوانند به آنها مشورت بدهند.

البته در بعضی نهادها این ظرفیت‌ها را ایجاد کرده‌ایم؛ به‌عنوان مثال، در بانک مرکزی، شورای فقهی داریم؛ در نهاد امنیت، شورای عالی فقهی داریم، حتی یک‌وقتی وزیر نفت در تلویزیون گفت ما شورای فقهی نفت داریم (البته من بعداً پیگیری کردم دیدم شورای نبود؛ بلکه یک نفر بود و آن یک نفر هم یک طلبه معمولی بود و نه فقیه) ولی می‌خواهم بگویم جعل قانون برای استفاده از فقه و فقهات، خیلی اثرگذار است. یک کار دیگری که نهاد فقهات باید از همان اول انقلاب انجام می‌داد این بود که اسناد بالادستی وزارت‌خانه‌ها که حاوی مواد فقهی بود را اصلاح می‌کردند؛ زیرا ضمانت اجرا برای قوانین فقهی موجود در اسناد بالادستی وزارت‌خانه‌ها را نداریم. بخشی از این نقایص متوجه نهاد حاکمیت است که حضور فقه در چرخه اداری خودش را فراهم نکرده است؛ چون یکی از کارویژه‌های نهاد حاکمیت اسلامی این است که از دین استنتاج کند. یک موقعی از دفاتر مراجع عظام تقلید تقاضا کردیم استفتائاتی که از پایگاه‌های دولتی در خصوص مسکن و شهرسازی انجام شده است را در اختیار ما قرار دهید. جوابی که دریافت کردیم حاکی از این بود که هیچ استفتایی از سوی شهرسازی و مسکن نشده بود و این نشان می‌دهد که فقه ما همچون گذشته مسیر فردی را طی می‌کند نه فقه اجتماعی یا تمدنی را.

شهروند درجه دو؛ پروژه حذف جامعه شیعی از هویت ملی لبنان

حسام مطر

تلاش هدفمند برای حذف جامعه شیعی - به عنوان نیروی پیش برنده مقاومت در برابر دشمن اسرائیلی - و به طور کلی جامعه مقاوم، پدیده‌ای تازه نیست. این روند از سال ۲۰۰۵ تاکنون به اشکال مختلف ادامه داشته است.

در این فرآیند «حذف نمادین»، دو جریان اصلی نقش دارند: نخست، گروه‌های طائفه‌گرای انزواطلب که به سلسله‌مراتب هویت‌های لبنانی باور دارند (بر اساس این دیدگاه، برخی لبنانیان «اصیل» و برخی دیگر «مصنوعی» تلقی می‌شوند). دوم، جریان‌های لیبرال غرب‌گرا که بسیاری از اعضای آن‌ها، علی‌رغم ادعای لیبرالیسم، دارای گرایش‌های فرقه‌ای هستند. آنچه این دو گروه را متحد می‌کند، دشمنی با مقاومت و وابستگی به واشنگتن است.

هدف نهایی این پروژه، بازتعریف هویت ملی به گونه‌ای است که هواداران مقاومت در لبنان به عنوان یک گروه بیگانه و غیر خودی معرفی شوند. این روند، زمینه را برای مشروعیت‌بخشی به حذف، منزوی‌سازی و سرکوب آن‌ها فراهم می‌کند.

از آنجا که شیعیان به عنوان «جالیهای بیگانه» معرفی می‌شود، فرصتی برای بازتعریف هویت لبنانی بر مبنای دشمنی با آنان شکل می‌گیرد. این روند نه تنها تقابل هویتی را تشدید می‌کند، بلکه به محرومیت سیستماتیک آن‌ها از حقوق شهروندی مشروعیت می‌بخشد.

تقسیم‌بندی میان «داخلی» (ملی) و «خارجی» (بیگانه) شکافی عمیق و تنش‌آفرین ایجاد می‌کند که با تزریق مداوم احساس ناامنی و تهدیدهای امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تقویت می‌شود. نمونه‌ی بارز این راهبرد را می‌توان در نحوه پوشش رسانه‌ای «رژه موتوسواران در منطقه جمیزه» مشاهده کرد، جایی که این واقعه نه به عنوان یک رویداد عادی، بلکه به عنوان یک تهدید سازمان‌یافته بازنمایی شد.

از سال ۲۰۰۵، تلاش‌ها برای شکل‌دهی به یک فهم فرهنگی از درگیری سیاسی با مقاومت در لبنان بر اساس تقسیم‌بندی لیبرالی میان «عشق به مرگ» و «عشق به زندگی» آغاز شد. این روند پاکسازی فرهنگی با تکیه بر برتری جویی هویتی (از جمله شعار «ما شبیه آن‌ها نیستیم») ادامه یافت، جایی که هویت لبنانی به طور اغراق‌آمیز و اسطوره‌ای بازنمایی شد. در مقابل، فرهنگ مقاومت شیعی به عنوان فرهنگی جاهل و بی‌اطلاع (حتی در مفاهیم ابتدایی مانند شناخت کتاب، زشت و بی‌ارتباط با هنر و زیبایی‌شناسی (با تمرکز بر هنرهایی که ویژگی‌های خاص لبنانی داشتند)، واپس‌گرا و غیرهم‌خوان با مدرنیته (خصوصاً در سبک زندگی) و بنیادگرایانه معرفی شد، فرهنگی که هیچ ارتباطی با تنوع و گشودگی نداشت. این تلاش‌ها در نهایت به اوج خود رسیدند زمانی که سعی شد مقاومت نه تنها از هویت لبنانی بلکه از هویت عاملی نیز جدا گردد.

در این چارچوب، تلاش‌هایی برای بهره‌برداری از موفقیت اطلاعاتی اسرائیل در جنگ اخیر به عنوان دلیلی بر کمبود تکنولوژی و خلاقیت در حزب مشاهده می‌شود. خلاقیت و هوش به عنوان ویژگی‌های هویت لبنانی «اصیل و واقعی» معرفی شده‌اند که باید انحصاری شوند. انکار دستاورد استثنایی اطلاعاتی اسرائیل (و غرب) و همچنین نادیده گرفتن ابتکار عمل مبارزان حزب و استفاده کارآمد آن‌ها از تکنولوژی موجود (که به طور مثال باعث شد پهپاد پیشرفته‌ای به اتاق خواب بنیامین نتانیاهو در اوج آمادگی اسرائیل برسد) هر دو نوعی از افراط است که بخشی از ماجرا را در نظر نمی‌گیرد.

بر اساس این گفت‌وگو، مقاومت با هویت لبنانی که دارای گرایش‌های لیبرالی به سمت غرب، شیوه زندگی مصرف‌گرایانه و مدل اقتصادی رانت‌محور است، در تضاد قرار دارد. به این ترتیب، جوامع لبنانی زیادی از هویت ملی کنار می‌روند و نه تنها مقاومت بلکه این جوامع نیز از فرآیند هویتی ملی کنار گذاشته می‌شوند. با این حال، این جوامع به خاطر اینکه در پروژه مقابله با نظام آمریکایی وارد نشده‌اند، از دیدگاه پنهان مانده‌اند.



مقایسه تجربه حزب الله با تجربه سازمان آزادی‌بخش در لبنان است. به این ترتیب، درب به روی پیشنهادات بین‌المللی و منطقه‌ای برای تأمین مالی «جنگ علیه ایران در لبنان» باز می‌شود. و از آنجایی که طرفداران مقاومت به عنوان یک «جالیه ایرانی/خارجی» معرفی شده‌اند، حالا مشروعیت پیدا می‌کند که به آن‌ها حمله شده و از تخریب روستاهایشان شادمانی شود و حتی به قتل آن‌ها فراخوانده شود، در حالی که پیش‌تر چنین اقداماتی خیانت و نقض ارزش‌های ملی به حساب می‌آمد.

ثانیاً، درخواست علنی وصایت آمریکا به یک فضیلت تبدیل شده است، به‌ویژه از آن جهت که دیگر نمی‌توان آن را انکار کرد، چرا که به وضوح آشکار شده است. در این راستا، برخی از گفته‌های عجیب مطرح شده که رابطه میان استقلال و وصایت را توجیه می‌کنند. طبق این دیدگاه‌ها، لبنان نمی‌تواند بدون وصایتی که از آن حمایت کند، مستقل باشد، و همچنین نمی‌تواند حاکمیت داشته باشد مگر اینکه در رقابت‌های منطقه‌ای علیه ایران مشارکت کند. سپس، طرفداران این دیدگاه‌ها با هیجان از سخنان رئیس‌جمهور منتخب جوزف عون در خصوص «بی‌طرفی مثبت» حمایت می‌کنند، تا جایی که دست‌هایشان متورم می‌شود. به نظر می‌رسد که حامیان این جریان امیدوارند با تمجید از وصایت و تقویت آن، زمینه‌های لازم برای گفتمان عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در آینده فراهم شود.

اصل هویت لبنانی بر تنوع و تعدد استوار است و باید در برابر تمام اشکال حاشیه‌نشینی سیاسی، اقتصادی، طبقاتی، منطقه‌ای و فرهنگی مقاومت کند. ایده مقاومت و دشمنی با رژیم صهیونیستی جزء لاینفک هویت لبنانی است (صرف‌نظر از دیدگاه‌ها در خصوص نحوه تنظیم رابطه مقاومت با دولت)، و این امر توسط نتایج نظرسنجی‌های مختلف تأیید می‌شود. به عنوان مثال، طبق گزارش بارومتر عربی در سال ۲۰۱۹، ۷۹ درصد از لبنانی‌ها اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید برای کشورشان می‌دانند.

همچنین، سبک زندگی محافظه‌کارانه در میان اقشار گسترده‌ای از تمام طوائف لبنانی مشاهده می‌شود، به‌ویژه در مناطق خارج از مراکز شهری بزرگ، و این امر محدود به محیط‌های نزدیک به مقاومت نیست. حمایت عمومی از مقاومت خود نمایانگر تنوع فرهنگی گسترده‌ای است که حتی در سبک زندگی روزمره نیز مشهود است.

در نهایت، ضروری است که تأکید کنیم حملات ضد مقاومت تحت عنوان «هویت لبنانی» نباید به واکنش‌های خصمانه علیه هویت ملی لبنان منجر شود. مسئولیت امروز بر دوش نیروهای مقاومت و حامیان آن در لبنان است تا جایگاه خود را در درون دولت و فرهنگ لبنانی تقویت کرده و تثبیت کنند، با نگاهی باز به تکرار داخلی (از جمله فرهنگی، طبقاتی، سیاسی و منطقه‌ای) و همچنین ارتباطی مستحکم با وضعیت همسایگان و منطقه که به دلیل سیاست‌های هژمونی آمریکا دچار بحران است. این امر ایجاب می‌کند که مولفه اجتماعی و مبارزاتی پروژه مقاومت تقویت شود تا بتوان خطوط رقابت محلی را بر اساس مسائل واقعی که مردم با آن روبرو هستند، بازتعریف کرد. این رقابت باید عمدتاً در ساختار دولت جریان یابد تا وظیفه اجتماعی آن تقویت شود، نه اینکه تنها برای پیروزی گروهی خاص باشد.

اگرچه هویت‌های لبنانی همواره در فرآیند بازسازی مداوم قرار داشته‌اند، نقدها غالباً به هویت جامعه مقاومت وارد می‌شود؛ گاهی به دلیل آنکه از گذشته‌ای خاص جدا شده و گاهی به‌خاطر بازگشت به آن گذشته. معیار اصلی برای این نقد، هویت لبنانی است که در بستر خاصی از شهروندی، استعمار، اقتصاد و طائفه‌گرایی شکل گرفته است. کسانی که این هویت را پذیرفته‌اند، اعضای کمیته حاکم هستند که شهروندی دیگران را می‌پذیرند یا رد می‌کنند و در این زمینه نقش تصمیم‌گیرنده دارند. برخی از این افراد پیش‌تر با پروژه ناصری در تقابل بوده و بر برتری فئینی‌ها نسبت به عرب‌ها تأکید کرده‌اند، و اکنون در مواجهه با مسائل منطقه‌ای از مفاهیمی همچون «آغوش عربی» و «نظام منافع عربی» استفاده می‌کنند؛ چرا که امروز مرکزیت عربی به کشورهای خلیج فارس منتقل شده است، جایی که به عنوان محور اصلی انرژی، سرمایه‌گذاری‌ها و امنیت غرب شناخته می‌شود.

پروژه تکمیل «خراج هویت» شیعی و مقاوم در لبنان بدون حمایت‌های سیاسی نمی‌توانست به پایان برسد. حداقل می‌توان به سه عامل سیاسی اشاره کرد:

اولین عامل، فروکاستن رابطه مقاومت با ایران به یک رابطه نیابتی است (که بسیاری از محققان غربی آن را تعریفی ساده‌انگارانه و ناقص می‌دانند). این ساده‌سازی به عنوان ابزاری برای معرفی مفهوم «شغال ایرانی» لبنان مطرح شد، زمانی که حزب‌الله و هم‌پیمانانش پس از انتخابات ۲۰۱۸ اکثریت پارلمانی را به دست آوردند. به بهانه‌ی این موضوع، فشارهای اقتصادی به لبنان وارد شد تا مجازات و تنبیهی برای این پیروزی باشد. پارادوکس اینجاست که ایران نمی‌تواند لبنان را تهدید یا ارعاب کند، برخلاف نیروهای محور مقابل که این توانایی را دارند.

دومین عامل، تصویرسازی از مقاومت به عنوان نیرویی ضد دولت و مخالف آن است، در حالی که حقیقت این است که مقاومت تنها در نتیجه غیاب عمده دولت در اجرای استراتژی امنیت ملی برای مقابله با تهدید صهیونیستی و ناتوانی در تأمین شرایط لازم برای این هدف شکل گرفت.

سومین عامل، قرار دادن حزب‌الله پس از سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از ساختار حکومتی با تمامی فسادها و مشکلات آن است. ابتدا آن را به عنوان حافظ این ساختار معرفی کردند، و در نهایت، همراه با هم‌پیمانانش، جنبش امل، آن را به قلب این ساختار تبدیل کردند. هر دو حزب روابطی با نظام حاکم و قدرت دارند که نقد و اعتراض به آن‌ها قابل قبول است، اما سیستم سیاسی لبنان و شبکه‌های طائفه‌ای و مالی آن بسیار پیچیده‌تر از نقش این دو حزب است و از نظر ساختاری در طول تاریخ تحت تأثیر مراکز استعمار از قرن نوزدهم به این سو قرار داشته است.

سپس ضد هویت مقاومتی، تلاش کرده است تا «دو حزب شیعی» را به عنوان حاکم مستبد در یک سیستم سیاسی ساده و جامعه‌ای همگن معرفی کند. این گونه، مقابله با این دو حزب به عنوان عملی انقلابی و مبارزاتی نمایش داده می‌شود که احساسات توده‌های خشمگین و تحریک‌شده را برمی‌انگیزد. در حقیقت، بسیاری از کسانی که این تحریف را پیش می‌برند، خود جزو اجزای اصلی در شبکه‌های منافع سیستم طائفه‌ای داخلی و خارجی هستند و بیشترین بهره‌بردار را از آن دارند. نمونه ساده این موضوع زمانی است که رئیس‌جمهور مکلف نواف سلام را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد و مخالفان مقاومت بشدت به او به دلیل نگرانی از برنامه اصلاحات او در بخش بانکی لبنان، که عامل اصلی بحران اقتصادی کشور است، حمله کردند.

با این دوگانگی فرهنگی و سیاسی، پروژه «خراج هویت شیعه و مقاوم» تکمیل می‌شود و جامعه مقاومت به عنوان یک اقلیت خارجی در لبنان معرفی می‌شود (که یکی از جنبه‌های آن



بجوبه جنگ تعرفه‌ای

امیررضاسوری

ترامپ عجله ای برای گفت‌وگو با شی جین پینگ در بجوبه جنگ تعرفه‌ای ندارد

ترامپ رییس جمهور آمریکا اخیراً مدعی شده است که عجله‌ای برای صحبت با شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین و تلاش برای خنثی کردن جنگ تجاری جدید بین دو اقتصاد بزرگ جهان که ناشی از اعمال تعرفه‌های گسترده ۱۰ درصدی بر همه کالاهای چینی است ندارد.

چین در چند روز گذشته تعرفه‌های هدفمندی را بر واردات آمریکا اعمال کرد و در واکنشی سنجیده به تعرفه‌های ترامپ، چندین شرکت از جمله گوگل را در معرض تحریم‌های احتمالی قرار داد. ترامپ نیز در کاخ سفید در پاسخ به سؤالی درباره اعمال تلافی جویانه چین گفت: «خیلی خوب است». از همین رو، گفتگوی شی و ترامپ به عنوان کلیدی برای کاهش یا تأخیر احتمالی تعرفه‌ها به حساب می‌آید. همانطور که گفتگو با رهبران مکزیک و کانادا نیز انجام شده است.

در همین رابطه، کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید به خبرنگاران گفت که تاس ترامپ و شی هنوز به برنامهریزی نیاز دارد.

لیویت همچنین به شبکه فاکس بیزنس گفت: «رئیس‌جمهور شی با ترامپ تماس گرفت تا در این مورد صحبت کند و شاید مذاکراتی را آغاز کند. پس باید دید که این تماس چگونه پیش خواهد رفت». پاسخ محدود پکن به اعمال تعرفه ۱۰ درصدی ترامپ بر تمام کالاهای وارداتی چینی، نشانگر تلاش سیاستگذاران چینی برای هدایت ترامپ به مسیر گفتگوها برای جلوگیری از جنگ تجاری آشکار بین دو اقتصاد بزرگ جهانی بود.

لیو پنگیو، سخنگوی سفارت چین در واشنگتن نیز گفت که چین امیدوار است واشنگتن با پکن برای تضمین روابط سالم و پایدار بین دو کشور همکاری کند.

صندوق بین‌المللی پول پس از آنکه ماه گذشته هشدار داد افزایش سیاست‌های حمایت‌گرایانه می‌تواند به سرمایه‌گذاری ضربه بزند و زنجیره‌های تأمین را مختل کند، گزارش کرد که به نفع همه است که راه‌هایی برای حل اختلافات و فعال کردن تجارت پیدا کنند.

از همین بابت *Capital Economics* یک شرکت تحقیقاتی مستقر در بریتانیا، تخمین زد که تعرفه‌های اضافی چین تنها بر حدود ۲۰ میلیارد دلار واردات سالانه اعمال می‌شود. در حالی که ۴۵۰ میلیارد دلار کالاهای چینی مشمول تعرفه ترامپ شده‌اند.

باتوجه به قضایای اخیر و تهدید ترامپ نسبت به کانادا، مکزیک، اتحادیه اروپا و اعضای پیمان بریکس ناظر به افزایش تعرفه‌های تجاری به نظر می‌رسد مقصود رئیس‌جمهور جدید آمریکا از راه‌اندازی این جنگ تعرفه‌ای بازیابی جایگاه سابق این کشور در فضای بین‌المللی است. البته با توجه به وضعیت فعلی تجارت جهانی و وابستگی شدید آمریکا به کشورهایی همچون چین در تأمین مواد اولیه که مورد تأکید فلیپ لاک مقام سابق وزارت خارجه این کشور نیز هست بعید به نظر می‌رسد این مسیر ترامپ را به اهداف خود برساند.

برگزاری بزرگترین گردهمایی مذهبی جهان در هند

نخست وزیر هند، نارندرا مودی، روز چهارشنبه ۵ فوریه ۲۰۲۵ به میلیون‌ها نفر در جشن شش هفته‌ای «مهاکمب» پیوست و در آب‌های رودخانه مقدس در شهر شمالی پرایاگراج، غسل تعمید کرد. این در حالی است که مقامات هندی اعلام کردند که ۳۰ نفر در ازدحام جمعیت هندوها در ۲۹ ژانویه کشته شدند. برخی منابع گفته‌اند که تعداد کشته‌شدگان بیش از ۵۰ نفر است.

میلیون‌ها زائر هندو، مردان و زنان متعدد از سراسر هند از روز دوشنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۲۵ (۲۵ دی ۱۴۰۳) به شهر پرایاگراج در شمال این کشور سرازیر شدند تا جشنواره «مهاکمب» را آغاز کنند، جشنی که به عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی مذهبی جهان شناخته می‌شود.

بر اساس اعلام مقامات، انتظار می‌رود حداقل ۴۰۰ میلیون نفر - بیش از جمعیت ایالات متحده - در طول ۴۵ روز آینده به پرایاگراج بیایند. این تعداد حدود ۲۰۰ برابر ۲ میلیون زائری است که سال گذشته برای مراسم حج سالانه به شهرهای مقدس مکه و مدینه در عربستان سعودی رفتند.



ازوی چت تایتک تاک و دیپ سیک؛ دورخیز چین برای رقابت با غرب در پلتفرم داری

تنوع گسترده بین شبکه‌های اجتماعی بومی، معادل سازی با پلتفرم‌های خارجی و همچنین چندمنظوره بودن آنها موجب شده تا کاربران نسبت به سکویهای خارجی احساس نیاز چندانی نداشته باشند.

در میان پلتفرم‌های چینی، برخی از آنها برای سایر مردم دنیا نیز شناخته شده هستند که می‌توان به ویبو، وی چت، تیک تاک، کیوکیو، یابدوتیبا، پلتفرم فیلم *Tencent* و... اشاره کرد.

شرکت مادر تیک تاک، یک شرکت چینی به نام بایت دنس است و همین مسئله سرآغاز دعوا بر سر یک پلتفرم بین دو کشور ابرقدرت است و مقامات آمریکایی نگران هستند که داده‌های کاربران ممکن است به دست دولت چین برسد؛ دعوی‌ای که به ننگره آمریکا و روابط دو کشور و حتی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا راه یافت و نشان داد که جنگ بین کشورها در حال حاضر و آینده نه چندان دور، در فضایی خارج از زمین یا هوا رخ خواهد داد و آن هم دعوا بر سر حکمرانی بر پلتفرم‌ها و فضای مجازی است.



دولت موانع گردشگری را برطرف کند

سیامک سیدمردنی

دکتر سیامک سیدمردنی رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی صنایع دریایی کشور در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره نقش اقتصاد دریامحور در توسعه پایدار کشور اظهار کرد: کشور ما از ظرفیت‌های بسیار مهمی از جمله اقتصاد دریامحور برخوردار است که شاید هنوز از یک درصد این ظرفیت‌ها هم استفاده نشده است.

وی با اذعان به نبود امکانات و پشتیبانی‌های لازم در بنادر مانند راه آهن و خطوط ترانزیتی افزود: ما حدود ۵۸۰۰ کیلومتر مرز آبی داریم و تقریباً یک کشور دریایی محسوب می‌شویم و ضرورت دارد که هدف حاکمیت، توسعه اقتصاد و صنعت دریایی باشد به طوری که با تغییر دولتها دچار افت و کاستی نشود.

رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی صنایع دریایی کشور در مورد وضعیت کشتی‌سازی و زنجیره‌های تأمین در این زمینه نیز گفت: متأسفانه نگاه و رویکرد ثابتی به صنعت کشتی‌سازی وجود نداشته اما دو قطب اصلی کشتی‌سازی در کشورمان همچنان می‌توانند نجات‌دهنده باشند و البته این دو شرکت هم با مشکلات مالی و نبود نگاه راهبردی برای احیای این دو قطب دست و پنجه نرم می‌کنند.

سیدمردنی با بیان اینکه گردشگری صرفاً به معنای جابجایی مسافر از یک منطقه به منطقه دیگر نیست بیان کرد: وزارت گردشگری باید ساختار مناسب و مزیت‌های لازم را ایجاد کرده و موانع را نیز از سر راه بردارد. وی خاطر نشان کرد: اگر اقتصاد دریامحور به نقطه‌ای که باید ترسیده‌دلیلش این است که تمرکز لازم در ساختار شکل نگرفت و با وجود اینکه شورای عالی صنایع دریایی تشکیل شد اما منابع مورد نیاز تأمین نشد و اصلاحات قانونی نیز صورت نگرفت. متأسفانه در مورد سواحل مکران نیز به این بسنده شد که تقسیم اراضی صورت گیرد اما منابع مستمر و پایداری برای توسعه آن تعریف نشد.

رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی صنایع دریایی کشور در رابطه با درمورد مگا پروژه «ایران رود» و اتصال دریای خزر به دریای خلیج فارس و عمان گفت: مطالعات کارشناسی و دقیق این مگا پروژه از نظر محیط زیستی و کشتیرانی در مرکز پژوهش‌های مجلس موجود است. تغییر آمایش مردمی و انسانی و تغییر در بافت اقتصادی عمان و چابهار یک آسیب جدی است و معتقدم پروژه «ایران رود» می‌تواند به تمرکز جمعیت و برقراری امنیت در این منطقه کمک کند.

در ادامه برنامه، دکتر سیاوش یگانه کارشناس اقتصاد دریا و امور دریایی گفت: اقتصاد دریامحور از کلیدی‌ترین فرصت‌های اقتصادی ایران است و در کنار نفت می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند چرا که اقتصاد دریامحور دارای ابعاد بسیار وسیع و گسترده است.

وی وجود ۱۱ بندر کوچک و بزرگ و وجود پایگاه‌های دریایی را از ظرفیت‌های اقتصاد دریامحور خواند و افزود: ما بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی داریم که متأسفانه بیشتر از ۳ درصد هم از این ظرفیت استفاده نکردیم. کارشناس اقتصاد دریا و امور دریایی با تأکید بر اینکه ایجاد زیرساخت لازم توسعه سواحل و بنادر است اظهار کرد: طول سواحل مکران ۱۵۰۰ کیلومتر است که ۹۰۰ کیلومتر آن در استان هرمزگان و ۵۰۰ کیلومتر آن هم در استان سیستان و بلوچستان واقع شده و چابهار نیز نقطه عطفی در سواحل مکران است که برای توسعه آن نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت است. یگانه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو عنوان کرد: توسعه سواحل مکران که یک چهارم از مرز دریایی کشور را تشکیل می‌دهد به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد.

وی افزود: اگر بنادر، خطوط ریلی، فرودگاه و زیرساخت‌ها توسعه پیدا کند بستر برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیز فراهم خواهد شد.

این کارشناس اقتصاد دریا و امور دریایی در مورد پروژه «ایران رود» و اتصال دریای خزر به دریای خلیج فارس و عمان گفت: «ایران رود» یک مگا پروژه است که نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم و توجه به مسائل زیست محیطی دارد و اتصال آن به دریای خزر هم بیشتر رویا پردازانه است چون شدیداً بر محیط زیست دریای خزر تأثیرگذار خواهد بود.

تبدیل ایران به هاب غذا بامحوریت صنایع غذایی و بخش خصوصی امکانپذیر است

محمد امینی رعیا



نشست گفت: برای تولیدکنندگان بزرگ صنایع غذایی، حفظ و افزایش حجم تولید در کوتاه‌مدت از اولویت بالاتری نسبت به سودآوری برخوردار است. این رویکرد با اهداف کلان کشور در زمینه تأمین امنیت غذایی همسو است. وی افزود: شرکت‌های پیشران و بزرگ این ظرفیت را دارند که نیازهای کشور را برآورده کنند و امنیت غذایی را محقق نمایند. در این زمینه دولت باید سیاست‌گذاری کند و از این ظرفیت بزرگ که در کشور شکل گرفته استفاده نماید.

جهش تولید و رونق تولیدکنندگان خرد از طریق شرکتهای پیشران امکانپذیر است

مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: شرکتهای پیشران می‌توانند با فعال کردن زنجیره‌های صنعتی و حجم زیادی از تولیدکنندگان خرد، جهش تولید را رقم بزنند.

وی افزود: در مقیاس بزرگ و برای ایجاد رشد اقتصادی، باید از ظرفیت شرکتهای پیشران استفاده کرد و دولت باید بتواند با جهت‌دهی این شرکتها و الزام آنها، زمینه توسعه فعالیت تولیدکنندگان خرد را فراهم کند. دولت نمی‌تواند با تعداد زیادی تولیدکننده خرد در تعامل باشد ولی می‌تواند شرکتهای بزرگ را در این راستا فعال نماید.

چالش‌های سیاست‌های حمایتی در صنایع غذایی

امینی رعیا گفت: علی‌رغم امکان فعالیت و صادرات صنایع غذایی بدون وابستگی به ارز ترجیحی و انترژی یارانه‌ای، این حمایت‌ها گاهی به مانعی برای توسعه تبدیل شده‌اند. به عنوان نمونه، محدودیت‌های ناشی از دریافت ارز، امکان ورود موقت کالا و فرآوری و صادرات را سلب کرده است. وی افزود: سیاست‌های ترجیحی حتماً لازم است و باید با اهدافی مورد استفاده قرار گیرد، اما این سیاست‌ها اگر به تولید لطمه بزنند نقض غرض است و باعث می‌شود در مجموع مردم ضرر کنند و سفره آنها کوچک شود.

تقاضای ۱ میلیون تن آرد توسط عراق و عدم امکان تأمین آن با وجود ظرفیت خالی

صنایع غذایی بزرگترین صنعت خصوصی کشور است محمد امینی رعیا دبیر نشست نقش آفرینی شرکت‌های پیشران در تحقق امنیت غذایی و مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: چهار صنعت در کشور وجود دارد که رشد بیش از روند داشته و جزو صنایع بزرگ محسوب می‌شود. صنعت نفت، صنعت پتروشیمی، صنعت معدنی و صنعت غذایی این چهار صنعت است.

وی افزود: در این میان، صنعت غذایی بزرگترین صنعت خصوصی کشور است و سه صنعت دیگر عمدتاً دولتی و حاکمیتی یا دولتی-خصوصی هستند. لذا اینجا یک ظرفیت بزرگ وجود دارد که باید به بهترین شکل از آن بهره‌برداری شود.

تبدیل ایران به هاب غذا با محوریت صنایع غذایی و بخش خصوصی امکانپذیر است

امینی رعیا گفت: شرکت‌های بزرگ صنایع غذایی می‌توانند به عنوان تسهیل‌گر دیپلماسی اقتصادی عمل کنند و نقش آفرینی دولت را در این حوزه تقویت نمایند. صنعت غذا یکی از ظرفیت‌های مهم کشور برای ایفای نقش مؤثر در نظم نوین جهانی محسوب می‌شود.

وی افزود: اگر می‌خواهیم در نظم نوین جهانی نقش آفرینی کنیم، باید مزیت صنعتی داشته باشیم و یک زنجیره صنعتی با محوریت صنایع غذایی و با امتداد کشورهای منطقه و جهان شکل دهیم. صنعت غذایی در حال حاضر می‌تواند این نقش را ایفا کند و دولت با تدبیر و طراحی باید از ظرفیت بخش خصوصی در تبدیل ایران به هاب غذا استفاده نماید.

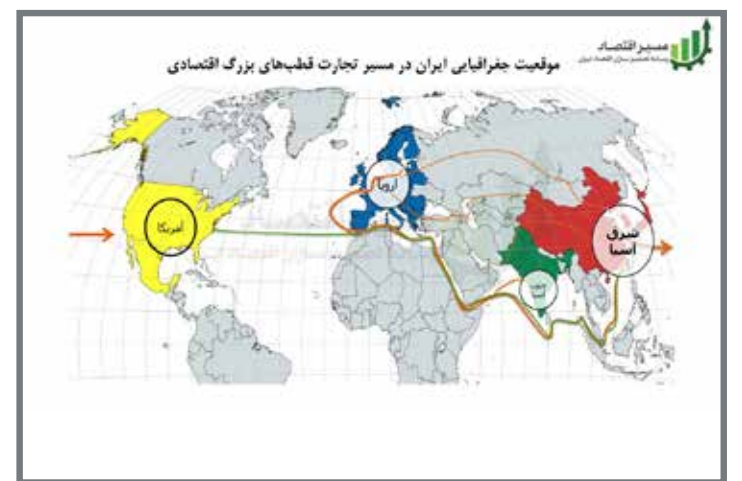
مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: این اقدام لزوماً هم نیازی به مواد اولیه داخلی و همچنین ارز ترجیحی ندارد. با استفاده از قانون ورود موقت و بدون نیاز به ارز ترجیحی میتوان مواد اولیه وارد کرد، با ظرفیت صنایع آن را فعال کرد و سپس کالای نهایی را صادر نمود. به این ترتیب یک زنجیره ارزش و کریدور اقتصادی با کشورهایی که مواد اولیه تأمین می‌کنند یا محصول نهایی را خرید می‌کنند، حول ظرفیت صنایع غذایی کشور شکل می‌گیرد.

شرکت‌های پیشران و بزرگ می‌توانند امنیت غذایی را محقق کنند

محمد امینی رعیا مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی در این

اندازه بازار صنعت ترانزیت ایران چقدر است؟

روح‌الله مهدوی



موقعیت ایران در مسیر تجارت قطب‌های بزرگ اقتصادی

در حال حاضر می‌توان چهار منطقه شرق آسیا، جنوب آسیا، اروپا و آمریکای شمالی را به عنوان قطب‌های بزرگ اقتصادی جهان در نظر گرفت.

بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی مراکز بین‌المللی، در سال ۲۰۲۳ این چهار قطب اقتصادی ۷۳ درصد از اقتصاد و ۷۹ درصد از تجارت و ۶۴ درصد از جمعیت جهان را در اختیار داشته‌اند. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مسیر بخش بزرگی از تجارت این چهار قطب اقتصادی واقع شده است و در مواردی به صورت بالقوه بهترین مسیر آن‌ها محسوب می‌شود. در حقیقت آن بخش از تجارت دریایی این چهار قطب اقتصادی که از کانال سوئز عبور می‌کند، بازار ترانزیت فرامنطقه‌ای ایران محسوب می‌شود.

بر اساس آمار مجمع جهانی اقتصاد ۱۲ درصد از حمل و نقل دریایی و ۳۰ درصد از تجارت کانتینری در جهان از مسیر کانال سوئز انجام می‌شود. به عبارت دیگر این آبراه مسیر عبور ۲۵۰ میلیون کانتینر و همچنین ۱.۳ میلیارد تن کالا بوده است. از این میان جریان‌های تجارت کالا از شرق آسیا به اروپا، جنوب آسیا به اروپا و شرق آسیا به ساحل شرقی آمریکا بازار ترانزیت ایران محسوب می‌شوند. تا پیش از جنگ غزه و اعمال محدودیت تردد در دریای سرخ حجم تجارت در سه مسیر فوق برابر ۲۴۳، ۵۴۱، ۲۴۳ و ۱۵۰ میلیون تن در سال ۲۰۲۳ بوده است [۱].

از عوامل دیگری که امتیاز مسیر ترانزیتی ایران را افزایش می‌دهد، قرار گرفتن بزرگترین مراکز لجستیک و بنادر تجاری

اروپا در سواحل دریای شمال و دریای بالتیک است. مجموعه بزرگی از اقتصادهای اروپا شامل پرتجارت‌ترین کشورهای آن، یعنی آلمان و هلند، تنها در این دریاهای ساحل دارند. این بدان معنا است که کشتی‌ها برای جابجایی کالا از این بنادر به شرق و جنوب آسیا باید نیمی از محیط قاره اروپا را با عبور از تنگه جبل الطارق دور بزنند.



کشور	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
آسیا شرقی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آسیا جنوبی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
اروپا	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آمریکای شمالی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نشست رونمایی کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی»



داوودی یادآور شد: با توجه به اینکه تورق تاریخ به ما قوت قلب می‌دهد، این کتاب نشان می‌دهد که ما تاریخ و هویت داریم و پشتوانه ادبیات انقلاب حداقل ۶۰ ساله‌ای وجود دارد که جهانی از تجربیات و معانی را با خود به همراه دارد. تاریخ ادبیات ما در گذشته در تذکره‌ها منعکس شده و خیلی روش‌مدار نیست ولی در این کتاب نویسنده روش‌مدار پیش رفته است. همچنین اینکه شاعر تاریخ گذشته را با همان سیر تکوینی بیان می‌کند حس ایجاد می‌کند که گویا ما شاهد وقایع و جریان هستیم. او سعی کرده همه چیز را همه جانبه ببیند و این نکته مهمی است.

وی اظهار کرد: پیش از انقلاب چند جریان شاخص مثل مذهبی‌ها، ملی‌گرایان، چپ‌ها وجود داشت ولی در کنار آنها وقتی به عرصه انقلاب می‌رسیم از انقلاب، ادبیاتی با پشتوانه همه آن تجربیات متولد شده است.

داوودی ادامه داد: گاه منتقد طوری با ادبیات انقلاب برخورد می‌کند که گویا ادبیات انقلاب حاصل طیفی بی‌سواد است که بخشی از این برداشت به عملکرد ما باز می‌گردد که شاید آنچه به حق بوده را نتوانسته‌ایم بازتاب دهیم. عدم توجه یا توجه بیش از حد به رویش‌های جدید باعث شد تا برخی بتوانند به شعر انقلاب جسارت کنند. کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» یادآور گذشته و اتفاق بزرگ و جمعی از نخبگان است که امروز آن‌ها را نمی‌شناسیم یا به اسم انقلاب آن‌ها را نمی‌شناسیم.

کازم رستمی که دیگر میهمان این نشست بود به ضرورت پرشدن فاصله بین تئوری و ادبیات خلاق تاکید کرد گفت: شعر امروز هنر اول ما است پس لازم است که ارائه آن را درست کرد. باید به کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» نگاه دقیق علمی داشته باشیم. ما عادت به کلمه جریان داریم ولی نمی‌توان به لحاظ علمی این کلمه را راحت انتخاب کرد. جریان ادبی تعریف دارد و ما باید آن را اثبات کنیم.

وی با بیان اینکه اتفاقی که در ادبیات ما می‌افتد یک جریان است به ۴ مولفه در اثبات جریان ادبی پرداخت که شامل تشریح زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن جریان، نظریه‌پردازی و پایگاه‌های تئوری‌پردازی، کلون‌های پشتیبان آن جریان و تشریح نقطه شروع و مسیر طی شده و استمرار آن جریان بود.

رستمی افزود: ما تمام این مولفه‌ها را در جریان شعر انقلاب داریم و باید اثبات شود تا بگوییم جریان ادبی با شاخصه‌های ادبی است.

وی اظهار کرد: جریان شعر انقلاب در حال رسیدن به سبک ادبی است. اتفاقات اجتماعی سیاسی اول موج ایجاد می‌کنند و اگر ماندگار شوند تبدیل به جریان می‌شوند و اگر همچنان مستمر باشند تبدیل به سبک می‌شوند و من می‌گویم جریان شعر انقلاب در حال سبک شدن است.

رستمی در پایان سخنانش بر ادامه نگارش کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» تا جلد سه و چهار اشاره کرد.

محمدرضا وحیدزاده در این نشست یادآور شد که کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» بر اساس رویکرد و تئوری نظریه تاریخ‌نگاری ادبیات بررسی و روش تاریخ‌نگاری تکوینی ادبیات بوده و طبق آن یکسری چیزها کنار می‌رود و یکسری مباحث برجسته می‌شود.

وی در پایان و در پاسخ به این سوال که آیا این امکان وجود داشت که به شاعران انقلابی غیراسلامی یا مشروطه هم پرداخته شود گفت: وسیع و توانایی من در این حد بود و باید کار را از جایی شروع می‌کردم. اگر می‌خواستیم از آغاز این جریان به سیر تکوینی شعر انقلاب اسلامی بپردازیم باید کار را از دوره‌های قبل‌تر آغاز می‌کردم ولی تصمیم گرفتیم سال ۱۳۴۲ را انتخاب کنیم. هدف من از انتخاب این دوره هم این بود که بگوییم از آغاز دهه ۴۰ زمره‌های تازه‌ای شنیده شد.

سنگری ادامه داد: تاثیرگذاری شعر را در دیوارنوشته‌های روزگار انقلاب و حرکت‌های مردمی می‌توان دید. کاری از جنس کارهای ناصر حریری یعنی اگر گفتگو با کسانی که آن دوره را دیده‌اند بیابیم به قوی شدن کار پژوهشی بسیار کمک می‌کند. شاید اگر بتوانیم نظر گاه‌ها را از افراد بگیریم تاریخ شفاهی شعر انقلاب اسلامی را هم تدوین کرده باشیم.

وی افزود: نکته دیگر که به عنوان خطر آن را می‌بینم این است که اگر این نسل ننویسند، معلوم نیست نسل‌های بعدی راست و درست بنویسند و من می‌دانم که واژگونه خواهند نوشت. ما باید زودتر به این مسائل بپردازیم چون بخشی از اسناد زنده یعنی افراد، در حال از دست رفتن هستند. یکی دیگر از ارزش‌های کار تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی این است که از اول تکلیف خود را با نظریه‌ها مشخص کرده است.

سنگری همچنین گفت: ما شاید در تحلیل جریان شعر عنصر بزرگ ترجمه را که به شدت فضای شعر را تحت تاثیر قرار می‌دهد جدی نگرفته باشیم اما در این دوره جریان‌های بی‌پردگی تحت تاثیر ترجمه بوجود آمده‌اند. نکته دیگر هم که شاید می‌شد در این کتاب پرداخته شود، جریان ضد دین است که در فضای داستان‌ها بسیار پررنگ است و گاه به بزرگترین ارزش‌ها توهین می‌کند. ستیز با مسئله دین و مظاهر دینی و تمسخر مظاهر دینی یک جریان است. نکته مهم دیگر این است که دین در قلمرو باورهای دینی ما یک اصل به نام امضاء دارد یعنی اگر چیزی بتواند حامل ارزش‌های دینی باشد ما در تقابل با آن قرار نمی‌گیریم.

وی افزود: دین جریان‌های جدید شعری را تأیید کرد و همراه شد که همین امر نشان می‌دهد که امضا اتفاق می‌افتد و بستری را فراهم می‌کند که افرادی چون موسوی گرمارودی و صلواتی‌ها ظهور کنند.

سنگری در پایان سخنان خود به ضرورت توجه به شاعرانی چون ریاضی یزدی، پروین اعتصامی و حتی ژاله قاسمی تاکید کرد و از اشعار شمس کسمایی که اگر آثارش به موقع چاپ می‌شد، می‌توانست بنیانگذار شعر نو ایران باشد، نام برد.

علی داوودی سومین سخنران این برنامه با اشاره به این موضوع که در حال حاضر مخاطب عام بیشتر تماشاگر هستند تا خواننده کتاب و برای همین هم رسانه دیداری موفق‌تر هستند؛ تصریح نمود: اتفاق ادبی به مثابه یک جریان و مکتب، حاصل به هم پیوستن چند حرکت است که یکی از بخش‌های آن سرودن شعر است که هم‌پایه آن نشر، تحلیل، تبیین و معرفی شعر هم در نظر گرفته می‌شود.

وی با اشاره به این نکته که بهتر بود در انتهای کتاب که اشعار آورده شده نام شاعر در کنار متون آورده می‌شد، گفت: سخن گفتن درباره شعر در معرفی آن بسیار موثر است. حدود ۶۰ سال از آغاز حرکت انقلاب اسلامی و سرودن اولین شعر مختص انقلاب یعنی واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ می‌گذرد و اگر چه طی چهار دهه قریب به ۲۰۰ جلد کتاب در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی نوشته شده اما همچون کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» اثری نبوده و من ندیده‌ام. امتیاز این کتاب به قدری بالا است که ضعف‌هایش به چشم نمی‌آید.

داوودی تاکید کرد: «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» کتاب ویژه‌ای است و در قیاس با ادبیات مشروطه که دوره کوتاهی و تحت تاثیر جریان خارجی و ترجمه شکل گرفته، می‌بینیم که ادبیات انقلاب اسلامی با الگوی ملی و بر اساس زیست مردمی شکل گرفته و همپای زندگی آدم‌ها و اتفاقات و حوادث است.

وی ادامه داد: در شعرهای انقلاب ما پویایی را می‌بینیم که به‌رغم ضعف‌های ادبی زنده و تاثیرگذار است. کتاب هم متن قابل ارجاع و تحلیلی است که این سوال را پاسخ می‌دهد که چطور می‌شود ادبیات اینقدر پای کار انقلاب باشد. اثر فوق در حوزه تخصصی شعر انقلاب قدم برداشته و در کنار آن کتابی عام‌خوان با نثری روان است.

نشست رونمایی کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» نوشته دکتر محمدرضا وحیدزاده به همت گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با مشارکت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری؛ صبح سه‌شنبه (چهاردهم بهمن) با حضور دکتر اسماعیل امینی؛ دکتر علی داوودی و دکتر کاظم رستمی در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار شد؛ ضمن اینکه دبیری علمی این نشست نیز بر عهده دکتر حامد صلاحی بود.

اسماعیل امینی در نشست رونمایی کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» گفت: مسئله شعر انقلاب به گونه‌ای شده است که گویا نه برای دوستداران انقلاب و نه برای دشمنان اهمیتی ندارد. شعر هم همین‌گونه شده و برای کسی اهمیت ندارد و از نظام تعلیم و تربیت تقریباً حذف شده و از رادیو و تلویزیون هم در حال حذف شدن است. من با مطالعه کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» یاد ایامی افتادم که شعر بسیار مهم و انتشار حتی تک شعر یک حادثه و تکان‌دهنده بود ولی به روزگاری رسیدیم که زبان مشترک کسانی که کار اجتماعی می‌کنند، زبان ابتدال شده است.

وی عنوان کرد: کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» برایم یادآور روزهای انقلاب بود. امتیاز این کتاب این است که وحیدزاده به عنوان نویسنده، همچون پژوهشگر بی‌طرف عمل کرده و کتاب فاقد غرض‌ورزی است. او در این کتاب تعادل را حفظ کرده است.

این استاد دانشگاه با انتقاد به لحن هیجانی و پوچ‌نویسی که در نسل امروز آفتی بزرگ محسوب می‌شود و وارد پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی شده است ادامه داد: هیچ کجای کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» شاهد لفاظی نیستیم و صورت کار با محتوای کار برابر است.

امینی همچنین تصریح کرد: ما وقتی درباره شعر حرف می‌زنیم یا درباره شعر و داستان سخن می‌گوییم این سوال مطرح می‌شود که آیا زندگی مولف چه در روزگار خلق اثر و چه پس از آن، اثر داشته یا نه؟ آیا خود او عامل بوده و از سر اعتقاد دست به خلق اثر زده است؟ به نظر من نباید تاثیر داشته باشد و اساساً نباید زندگی مولف موضوع تحقیق قرار گیرد و خوشبختانه در کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» نیز پژوهشگر وارد این وادی نشده است.

وی تاکید کرد: اینکه فردیت، شخصیت و زندگی شخصی در کار پژوهشگر اثر نداشته، بسیار خوب است ولی برای تکمیل این کار باید به بخش‌هایی که همراه شعر انقلاب بوده‌اند هم توجه شود چون کارنامه روزگار ما است.

امینی در پایان صحبت‌های خود به طرح جلد کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» انتقاد کرد.

محمدرضا سنگری مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه دومین سخنران این محفل با اشاره به صحیفه سجادیه بیان نمود: اگر بخش‌هایی از صحیفه سجادیه را که به عنوان زبور آل محمد معرفی کرده‌اند به شیوه شعر سپید زیر هم بنویسیم صحیفه سجادیه نمونه‌ای از شعر سپید خواهد شد چراکه زیبایی و نگاه به شگفتی‌ها که امروز آن را کم داریم مثل نوع نگاه به پدیده‌ها، در آن وجود دارد. ما امروز به ماه نگاه نمی‌کنیم ولی در صحیفه سجادیه و در ۵۴ دعا بخش قابل توجهی به پدیده‌های طبیعت اختصاص دارد.

وی تصریح نمود: به قدری رسانه‌های دیگر در کنار شعر قرار گرفته‌اند که دیگر شعر، رسانه حاکم بر دیگر پدیده‌ها نیست، اگر چه شعر در روزگار ما موفق شد در تمام عرصه‌ها تنیده شود. شعر، زمره نسل‌های امروز ما است و برش‌هایی از اشعار قیصر امین‌پور را می‌توان در زبان مردم پیدا کرد و اینگونه نیست که جامعه از شعر گسسته باشد. اگر چه آفت‌ها و افت و خیزهایی همچون دیگر روزگاران در شعر وجود دارد ولی همچنان شعر عمیق جایگاه خود را پیدا می‌کند و پیش می‌رود.

سنگری همچنین با بیان اینکه کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» امید را در جان زنده کرده است عنوان کرد: ما در بحث تولید آثار شعر کارهای زیادی کردیم ولی در حوزه مباحث نظری شعر بسیار فقیر هستیم. اصولاً شاعران هم در این حوزه کمتر وارد شده‌اند، اگر چه لزوماً شاعر نباید نظریه‌پرداز یا تحلیلگر خوب باشد ولی طی سده اخیر کمتر می‌توان تحلیلگری را یافت که خودش اهل داستان نوشتن باشد.

رئیس اندیشکده ادبیات پایداری اظهار کرد: دکتر وحیدزاده، متعلق به نسل پس از انقلاب است و در آن دوران نریسته ولی به خوبی توانسته منابع را جمع‌آوری کند و آن را در بستر تاریخی مطرح کند، اگر چه در این میانه چهره بزرگی چون پروین اعتصامی فراموش شده است؛ شاعری که زمینه‌های از مبارزه و انقلاب در اشعار وی به وضوح دیده می‌شود.

وی ویژگی دیگر این تحقیق را عدم دخالت شاعر بودن نویسنده در این کتاب دانست که نشانگر پژوهشگر خوب بودن وی است.



عشق، اشک، موشک

نگاهی به فیلم «خدای جنگ»

آرش فهیم

«خدای جنگ» فیلم «روز» است؛ در دنیای امروز که دنیای موشک‌هاست و علاقه به گفت‌وگو با گاوچران‌های بی‌رحم و زبان نفهم، گفتمان بزدل‌ها شده، ساخت فیلم قوی درباره این عامل اقتدار ملی، خودش یک اتفاق ملی است. این فیلم، قصه‌ای الهام گرفته از واقعیت را درباره چگونگی ساخت اولین موشک نقطه‌زن در ایران و بومی‌سازی این صنعت ترسیم کرده است، اما بیش از آهن به آدم پرداخته‌اند؛ انسانی‌هایی که در کوره جنگ پخته شدند و سدهایی را شکستند و راهی را ساختند که امروز افتخارآفرین شده، است. موشک‌هایی که حاصل عشق و اشک‌های ابراهیم‌ها و خون دل‌هایی بود که خوردند تا آسمان را فتح کنند.

حسین دارابی در سومین تجربه کارگردانی فیلم بلند سینمایی، کاری کرده کارستان؛ فیلم او قطعاً یکی از آثار سرافراز و بزرگ چهل و سومین جشنواره فیلم فجر است؛ فیلمی برآمده از یک فیلمنامه قوی و کامل؛ فیلمنامه‌ای که بوی سفارشی بودن نمی‌دهد و عطر انگیزه و ایمان از آن می‌آید. این فیلمنامه خوب، در ساختاری شسته و رفته و استاندارد ریخته شده و با بازی‌هایی جاندار و تأثیرگذار رنگ‌آمیزی شده است. به ویژه ساعد سهیلی که نقش خودش را درک کرده است و یک قهرمان لجباز و یک دنده اما عاشق و خستگی‌ناپذیر را جان بخشیده که تا تحقق آرمانش دست از جهاد بر نمی‌دارد و در ایران راه حتی با مافوق‌هایش هم در می‌افتد. قهرمان فیلم، استعاره‌ای است از شهید حسن طهرانی مقدم، کار قهرمانانه ابراهیم در فیلم، ترسیمی است از مجاهدت طهرانی مقدم برای مجهز کردن ایران به موشک.

فیلم، اطلاعات تاریخی جالبی را هم منتقل و منتشر می‌کند که شاید خیلی از ما از آن بی‌خبر بودیم. مثلاً ماجرای حضور گروهی از ارتش لیبی در ایران برای کمک به پاسخ موشکی به صدام که البته همان طور که در فیلم می‌بینیم، کمک آنها صادقانه نبود و منفعت‌طلبانه بود؛ و اینکه رویکرد اخلاقی ایران در جنگ و تأکید بر نبرد حلال و عدم موشک باران مناطق مسکونی و مردمی، چگونه باعث شد تا ایران به سمت ساخت موشک نقطه زن برود. یعنی از آن گرایش انسانی و خدایی بود که قدرت دفاعی واقعی خلق شد. «خدای جنگ» ورای موضوع مضمونش، یک فیلم زیباست که لذت سینما و درام را به مخاطبش می‌چشاند. هر چند که از ناداوری زخم خورده است؛ عدم قرار داشتن «خدای جنگ» در بین نامزدهای بهترین فیلم جشنواره، در نگاه اول عجیب و در نگاه عمیق چندان عجیب نیست؛ داوران ضعیف، فیلم قوی را نیسنیده‌اند (این را یادآور شوم که یکی از اصول جشنواره‌های استاندارد سینمایی این است که هیات داوران خود را از میان موفق‌ترین چهره‌های سال‌ها اخیر و حتی الامکان از بین برگزیدگان دوره قبلی همان جشنواره تعیین می‌کنند، اما در جشنواره فجر امسال، این امر معکوس است و غیر از یکی دو نفر، اغلب اعضای هیات داوری چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، سینماگرانی هستند که ضعیف‌ترین دوران کاری خودشان سپری می‌کنند؛ جای شکرش باقی است که بهرام رادان زودتر فهمید که بازیگری تبلیغات تجاری کجا و داوری در جشنواره فجر کجا! بگذریم... عنوان فیلم خدای جنگ - زیبایی و جذابیتی ندارد و مفهومی دقیق از فیلم را هم بازنمایی و نمایندگی نمی‌کند، غیر از یک دیالوگ که سرهنگ لیبیایی از خدایان یونانی نقل می‌کند. این عنوان برا فیلمی جنگ طلب مناسب است و نه فیلمی که در ستیز با ناخدایان جنگ ساخته شده است.

تحلیل جایگاه فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی در آینده اقتصاد جهانی و شرایط ایران



۱. افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها
جهان شرکت‌ها از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی فرآیندها، کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش دقت تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند.

ایران در ایران، بسیاری از صنایع همچنان از فرآیندهای سنتی استفاده می‌کنند و بهره‌وری پایین است. با این حال، برخی از صنایع مانند فولاد، پتروشیمی و بانکداری شروع به استفاده از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی تولید و خدمات کرده‌اند. چالش اصلی، ضعف زیرساخت‌های دیجیتال و کمبود سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی است.

۲. تحول مدل‌های کسب‌وکار
جهان مدل‌های سنتی جای خود را به اقتصاد داده‌محور، پلتفرم‌های دیجیتال و خدمات هوشمند داده‌اند.

ایران استارت‌آپ‌های ایرانی مانند دیجی کالا، اسنپ و تپسی نمونه‌هایی از تغییر مدل‌های کسب‌وکار سنتی به دیجیتال هستند. با این حال، تحریم‌ها و محدودیت‌های اینترنتی باعث شده‌اند که برخی از این پلتفرم‌ها نتوانند به سطح بین‌المللی رشد کنند. از طرفی، نبود سیاست‌های حمایتی منسجم مانع از رشد کسب‌وکارهای مبتنی بر هوش مصنوعی شده است.

۳. ایجاد مشاغل جدید و حذف برخی مشاغل سنتی
جهان بسیاری از مشاغل بدی و تکراری حذف می‌شوند و فرصت‌های شغلی جدیدی در حوزه تحلیل داده، امنیت سایبری و یادگیری ماشین ایجاد می‌شود.

ایران در ایران، هنوز بسیاری از سازمان‌ها به شکل سنتی فعالیت می‌کنند و اتوماسیون کامل نشده است. این به معنای آن است که موج بیکاری ناشی از هوش مصنوعی هنوز شدید نیست. اما کمبود آموزش‌های تخصصی و مهاجرت نیروی کار متخصص در حوزه هوش مصنوعی، آینده اشتغال این حوزه را در ایران با چالش روبه‌رو کرده است.

۴. تأثیر بر سیاست‌های اقتصادی و بازار کار
جهان کشورهایی مانند چین و اتحادیه اروپا در حال تدوین سیاست‌هایی مانند مالیات بر ربات‌ها و برنامه‌های آموزشی جدید برای نیروی کار هستند.

ایران در ایران، هنوز سیاست مشخصی برای تنظیم بازار کار در مواجهه با اتوماسیون و هوش مصنوعی وجود ندارد. برنامه‌های آموزش مهارت‌های دیجیتال محدود هستند و سیاست‌گذاران هنوز نگاه سنتی به اشتغال دارند. اگر دولت نتواند مسیر بازآموزی و توانمندسازی نیروی کار را فراهم کند، ممکن است در آینده با بحران بیکاری مواجه شویم.

۵. گسترش اقتصاد داده‌محور
جهان داده به مهم‌ترین دارایی شرکت‌ها تبدیل شده است. شرکت‌هایی که داده را به درستی تحلیل کنند، بیشترین سود را خواهند برد.

ایران به دلیل محدودیت‌های دسترسی به داده، بسیاری از کسب‌وکارهای ایرانی در اقتصاد داده‌محور ضعیف عمل



یک روایت طولی از یک ماجرای عمیق

نگاه اول: چند سال پیش یک مستند دیدم درباره فتنه؛ دو دوربین مختلف با دو نفر مصاحبه کرده بود.

یکی از معترضان و شورشی‌ها بود؛ آن یکی از بسیجی‌ها. هر دوی آنها در یک درگیری حضور داشتند و هر کدامشان ماجرا را از زاویه دید خودش تعریف می‌کرد.

در انتهای مستند معلوم شد که دو برادر بودند؛ هر کدامشان در یک سوی میدان.

مستندساز می‌خواست نشان بدهد که فتنه چه بلایی بر سر جامعه ایران آورد.

اما نکته دیگری در آن مستند توجه من را جلب کرد. بی‌شکوهان و آشفتگی و ناراحتی برادری که در سمت شورشی‌ها بود و برادر و دوستان برادرش را که که از بچگی هم محله‌ای بودند؛ در سمت بسیجی‌ها می‌دید.

از این طرف برادر بسیجی، بر بود از اطمینان به درست بودن سمتی که ایستاده بود؛ حتی با ناراحتی که از دیدن برادرش داشت.

برداشت اول این ماجرا این است که طرفدار سبز فتنه؛ خانواده برایش مهم است و از این اتفاق ناراحت است اما برادر بسیجی، کاری که می‌کند و طرفداری‌اش از نظام اسلامی اولویت دارد.

اما واقعیت عمیق‌تر ماجرا چیز دیگری است. اصالت ایمان

ایمان به اصالت و اصل بودن و ریشه‌دار بودن اسلام و انقلاب اسلامی.

آن چیزی که اصل و واقعی است ارزش‌یابی است. آن چیزی که اصل و واقعی است ارزش‌یابی است. آن چیزی که اصل و واقعی است ارزش‌یابی است.

این حقیقت انقلاب اسلامی است.

حقیقتی که هر کس طرفدار و خواهان انقلاب اسلامی است آن را می‌فهمد و نکته مهم‌تر اینکه هر کس هم نیست؛ این را می‌فهمد.

از یک زاویه دیگر نگاه کنیم؟ چند سال است در راهپیمایی‌ها این پلاکارد بالا می‌رود؛ به شماره سال‌های گذشته از انقلاب؛ مسئولان می‌خواهند انقلاب را براندازی کنند و مردم نمی‌گذارند.

چند دولت از ابتدای انقلاب در اختیار کسانی بوده که معتقد به لیبرالیسم بودند و نسبتی با آرمان‌های اصل انقلاب نداشتند و به دنبال سرنگونی‌اش بودند اما همیشه مدعی و شاکی نداشتن اختیار عمل بودند؟

رسانه‌های هنری و تصویری از سینما و تلویزیون و ... در اختیار کسانی بوده و هست که اعتقادی به اسلام ندارند و به دنبال از میان بردنش هستند اما همیشه شاکی هستند از نداشتن آزادی عمل، بروید ببینید میان‌بازار را در استعفايش از شورای پروانه نمایش ببینید.

این جماعت، سال‌های بسیار بسیار زیادی در مناصب کلان دولتی و سیاست‌گذاری و اقتصادی و هنری دستشان بوده است یعنی قدرت و ثروت و مقام جمهوری اسلامی دستشان بوده و هر کاری خواسته‌اند، کرده‌اند، پس چرا همیشه شاکی هستند که قدرت و آزادی عمل نداشته‌اند؟ از عنصر وقاحت و نفاق که بگذریم یک ماجرای ریشه‌دار و عمیق در این میان هست.

مردم محروم و پابره‌نه و مستضعف جامعه باور دارند، ایمان دارند که نظام جمهوری اسلامی در ایران حقیقتی ریشه‌دار و اصل است و البته متعلق به آن‌هاست.

کارت‌ها و مافیایها و باندها و خاندان‌ها در ساختارهای کلان دولتی و سیاست‌گذاری و اقتصادی و هنری در باطن می‌دانند که این ریشه عمیق به آنان تعلق ندارد.

آن مردم ریشه‌های عمیق سروهای چند هزارساله دارند و اینها ریشه‌های کم جان و بی رمق شاخه‌های کم‌رنگ گلدان‌های شیشه‌ای تزیینی.

همه آدم‌ها حقیقت را در باطن خودشان شهود می‌کنند و واکنش‌های بیرونی‌شان بر همان اساس رقم می‌خورد حتی اگر همه ظواهر دنیا مخالف آن باشد.

برای همین شهرک‌های مجلل صهیونیستی در چشم به هم زدن خالی می‌شود اما چای روی اجاق‌ها در ویرانه‌های غزه خاموش نمی‌شود.

این باطن دنیا است، این حقیقت ایمان است، این اصالت حق است که هر انسانی چه مومن و چه فاسق درکش می‌کند.

راستی تا به حال از این زاویه به وقایع دور و برتان نگاه کرده بودید؟

و کیست که نداند، آینده را ریشه‌های کهن رقم خواهند زد نه شاخه‌های شکسته بی‌ریشه؟!

دیجیتال قوی‌تری ایجاد کند، در آینده اقتصاد جهانی نقش محدودی خواهد داشت.

۱۰. تأثیر بر توزیع ثروت و عدالت اجتماعی
جهان اگرچه هوش مصنوعی می‌تواند نابرابری اقتصادی را کاهش دهد، اما در صورت نبود سیاست‌های حمایتی، ممکن است ثروت را در دست تعداد کمی از شرکت‌های فناوری متمرکز کند.

ایران در ایران، شکاف دیجیتالی و نابرابری اقتصادی به یک چالش جدی تبدیل شده است. بسیاری از مشاغل سنتی از فناوری عقب مانده‌اند و عدم دسترسی عادلانه به اینترنت و آموزش‌های دیجیتال، موجب گسترش نابرابری شده است. اگر دولت سیاست‌های مناسبی برای توسعه مهارت‌های دیجیتال و حمایت از استارت‌آپ‌های نوآور تدوین نکند، این نابرابری در آینده عمیق‌تر خواهد شد.

جمع‌بندی و پیشنهاد برای ایران:

۱. سرمایه‌گذاری در آموزش دیجیتال: توسعه مهارت‌های هوش مصنوعی و تحلیل داده در دانشگاه‌ها و مدارس.
۲. ایجاد زیرساخت‌های داده‌ای قوی: دسترسی بهتر به داده‌ها برای استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارها.
۳. حمایت از شرکت‌های فناوری: کاهش موانع قانونی و مالیاتی برای رشد استارت‌آپ‌های هوش مصنوعی.
۴. اصلاح سیاست‌های اینترنتی: جلوگیری از محدودیت‌های غیرضروری برای رشد اقتصاد دیجیتال.
۵. همکاری بین‌المللی در حوزه فناوری: ایجاد روابط استراتژیک با کشورهای دوست برای انتقال دانش و فناوری.

در مجموع، آینده اقتصادی ایران وابسته به میزان آمادگی آن برای پذیرش و توسعه فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی خواهد بود.

راه حل، تقویت ساتراست، نه شکایت از آن!



بعضی کنش‌گران شبکه‌ی نمایش خانگی و سینما وجود دارد، ممکن است با زدالت و وسوسه‌ی همان مسموم‌گران شبکه‌ی نمایش خانگی، ناخواسته، هم‌فکران دغدغه‌مند اصیل فرهنگ و هنر، مقابل هم بایستند و یکدیگر را با عناصر نامطلوب ضد منافع ملی، اشتباه بگیرند و سبب تشدید مشکلات موجود و خلق مسائلی مضاعف شوند.

۱- «هیچکس بیگناه نیست!»: این عنوان پیامک انبوه تبلیغاتی سریال بی‌مخوّر «آبان» است. «حجت الاسلام یاسر خلیلی، مدیر کل محترم امور حقوقی و مجلس ستاد امر به معروف و نهی از منکر» - که اخیراً از «ساترا»ی صدا و سیما شکایت کرده- روست این بار از حمیدرضا پوررجبعلی (مدیر عامل سکوی شیدا)، مهدی جهانگیری (رئیس هیأت مدیره‌ی گروه مالی گردشگری)، مجید-مولایی (تهیه‌کننده‌ی -سریال-آبان)، مدیران بانک گردشگری و مدیران رایتل نیز شکایت کند.

۲- وقتی برخی سگوها مثل شیدای تازه تأسیس، راه فیلمو را پیش می‌گیرند و تذکرات و نکات اصلاحی را به طور کامل عمل نمی‌کنند، یعنی بیش از پیش، نیاز به هم‌افزایی حداکثری نهادی مرتبط است جهت تحقق هر چه کیفی‌تر، فراگیرتر و سریع‌تر تنظیم‌گری شبکه‌ی نمایش خانگی؛ طبیعتاً نهادهای حاکمیت، بهتر است اول راه تعامل با هم را پیش گیرند جهت بهبود خدمت‌رسانی به مردم و حفاظت از -حقوق- معنوی-مخاطب، سپس از طرق قهرآمیز علیه یکدیگر اقدام کنند.

۳- مطالبه‌گری از سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر

۴- از ملزومات تحقق حکمرانی یکپارچه فرهنگی، اشراف به مختصات پیچیده و فهم اقتضانات خاص زیست‌بوم چندوجهی سگوهایی شبکه‌ی نمایش خانگی و آشنایی با اضلاع قدرتمند و ثروتمند مداخله‌گر در آن است؛ بدون داشتن شناختی دقیق از چند و چون صف‌آرایی‌ها و جبهه‌بندی‌هایی که علیه اساس تنظیم‌گری و نظارت در تمام ساحت‌ها و سطوح مختلف فرهنگ و هنر ایران اسلامی از جانب

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۱۸ - ۰۲۱۸۱۵۰۲۱۸ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



نشست رونمایی کتاب «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی»

با توجه به اینکه تورق تاریخ به ما قوت قلب می‌دهد، این کتاب نشان می‌دهد که ما تاریخ و هویت داریم و پشتوانه ادبیات انقلاب حداقل ۶۰ ساله‌ای وجود دارد که جهانی از تجربیات و معانی را با خود به همراه دارد.

1

عشق، اشک، موشک

فیلمی برآمده از یک فیلمنامه قوی و کامل؛ فیلمنامه‌ای که بوی سفارشی بودن نمی‌دهد و عطر انگیزه و ایمان از آن می‌آید. این فیلمنامه خوب، در ساختاری شسته و رفته و استاندارد ریخته شده و با بازی‌هایی جاندار و تأثیرگذار رنگ‌آمیزی شده است.

7

با کسانی که گمراه هستند...
رفاقت و رفت و آمد نداشته باشید...
که باعث اغفال و گمراهی شما می‌شوند

(سوره صافات آیه ۳۴)



ورزش بزرگ مدیر بزرگ می‌خواهد

فریدون حسن

هوادران استقلال فقط با قهرمانی در جام حذفی راضی می‌شوند



- حمودی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا استقلال توانایی قهرمانی در جام حذفی را دارد یا خیر افزود:
- با توجه به اینکه پرسپولیس حذف شد و تراکتور هم پیش از این از این رقابتها کنار رفته بود و فقط سپاهان مانده، می‌توان گفت استقلال از شانس بالایی برای کسب عنوان قهرمانی برخوردار است. البته این را هم بگویم استقلال همیشه مقابل سپاهان در هر رقابتی توانسته نتیجه خوبی بدست بیاورد.
- او درباره اینکه استقلال در لیگ نخبگان صعود خواهد کرد یا خیر، گفت:
- استقلال همیشه مقابل الریان قطر توانسته نتیجه خوبی کسب کند و حالا می‌تواند دوباره به این مهم دست پیدا کند. استقلال شایستگی حضور در جمع ۸ تیم پایانی لیگ نخبگان را دارد.



نارضایتی خود را از شرایط و حال و هوای حاکم بر فوتبال اعلام می‌کنند اما هیچ مقام و مسئولی حاضر نیست - یا اجازه و جراتش را ندارد یا... جهت تغییر این وضعیت و نجات فوتبال کشور از دست باندنها و افرادی که به لطایف‌الحیل آن را در انحصار - و به قول فرنگی‌ها «متروپل» - خود در آورده‌اند، دست به کاری بزنند. این در حالی است که جریان‌ت پدروخوانده و حاکم مدت‌ها و از چند ماه پیش از انتخابات، برای تداوم حاکمیت خود بر فوتبال اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها را شروع کرده‌اند و برای جذب آرا، با برخی از صاحبان رای وارد گفت و گو و معامله شده و بساط وعده و تطمیع و... را حسابی گسترانده‌اند ولی هیچ حرکتی از سوی مسئولان ورزشی - یا حتی غیر ورزشی - به چشم نمی‌آید و از همین جاست که عرض می‌کنیم علی‌رغم حرف‌ها و شعارهایی که درباره ضرورت اصلاحات اساسی و واقعی - نه صوری و نمایشی - از سوی همگان، خاصه مسئولان و مدیران ارشد ورزش شنیده می‌شود، ظاهراً قرار نیست اتفاقی رخ دهد و شاهد تغییری ملموس و اثرگذار در روند و خط سیر غلطی که فوتبال در پیش گرفته، باشیم.

در اینکه ورزش مستعد و آماده جهش و قوی‌تر شدن ایران درست مدیریت نمی‌شود و مدیریتی هم سنخ بزرگی و توانایی‌های بالقوه، سکان هدایت آن را در خیلی جاها و بخش‌ها در اختیار ندارد، کمترین شک و شبهه‌ای نیست و حداقل سال‌هاست این روزنامه در این باره صریحاً نوشته و می‌نویسد. به کرات گفته شده ورزش ایران بزرگ و قدرتمند و تواناست و باید کسانی در جایگاه‌ها و مناصب ریز و درشت آن قرار بگیرند که روح و افکار بزرگ داشته باشند. اصولاً این یک اصل علمی و قانون اجتماعی است که کار بزرگ را باید به دست مردان بزرگ داد اما افسوس و صد افسوس که این اصل مهم علمی و اجتماعی - که هیچ عقل سلیمی در درستی آن شک ندارد - در ورزش ما خیلی وقت‌ها و مثل خیلی از اصول دیگر رعایت نمی‌شود و ملاک‌های مخرب و ویرانگری مانند باندبازی و همشهری‌گرایی و قبیله‌سالاری و قوم و خویش‌گرایی و... به راحتی بر آن تقدم می‌یابد و می‌شود مصداق آن عتاب و خطاب کتاب مجید که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا، لم تقولون مالا تفعلون؟» (ای ایمان‌آوردگان، چرا به چیزی که می‌گویید، عمل نمی‌کنید؟) حرف هر چقدر هم خوب و علمی و درست باشد، تا وقتی عملی نشود، هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. نسخه طبیب هر چقدر هم دقیق و شفابخش نوشته شده باشد، تا زمانی که دقیقاً به آن عمل نکنیم و دستور پزشک حاذق عیناً اجرا نشود و صرفاً از قدرت تشخیص و تخصص پزشک و داروهای که تجویز کرده، تعریف و تمجید کنیم، هیچ بهبودی در حال بیمار صورت نخواهد گرفت. پس درست گفته‌اند که «به عمل کار برآید...»

ما - از بزرگ و کوچک و خرد و کلان - با دردها و آفات و زخم‌های ورزش و علت و خاستگاه آن آشنا هستیم. در رسانه‌ها می‌نویسیم و می‌گوییم و در محافل و جلسات درباره یکایک آنها حرف می‌زنیم و به تاسف «تج‌تج» می‌کنیم اما می‌بینیم که اتفاقی در جهت درمان این دردها و زوددن این آفات و برداشتن موانع پیشرفت و بهتر شدن حال و روز ورزش نمی‌افتد و گویا اراده‌ای فراتر و بالاتر وجود دارد که تداوم وضع فعلی را بیشتر می‌پسندد و با منافع و سلاقی خود همراه‌تر تشخیص می‌دهد.

برای مثال، داد همه از اوضاع فوتبال بلند است. از پیر و جوان و مسئول و غیر مسئول

مشکل فوتبال از خودی‌هاست نه خارجی‌ها

دنیاحیدری



بیت‌المال و هزینه کردن‌های گزاف از جیب ملت، چوب حراج به آبروی فوتبال ایران زده‌اند. مدیرانی که تا وقتی در رأس کار هستند هیچ مشکلی حل نمی‌شود، حتی اگر تمام مربیان و بازیکنانی که قبلاً در ایران حضور داشتند نیز ممنوع‌الورود (به فوتبال ایران) شوند، چراکه داستان از جای دیگری آب می‌خورد. هرچند که بسیاری با علم بر تمام این موارد همچنان بر این باورند که بازیکنان و مربیان خارجی باید صبر ایوب پیشه کنند و با بی‌تعهدی مدیران نالایق فوتبال ایران کنار بیایند، اما سؤال اینجاست که چرا یک مشت اجنبی باید دل‌شان برای فوتبال ایران بسوزد، حکم صادره در خصوص پرونده لئاندرو پیرا، بازیکن سابق پرسپولیس از سوی دادگاه عالی ورزش یکی از همین موارد است که نشان می‌دهد مسائل مالی که انتظار داریم خارجی‌ها با درک آن از حق و حقوق‌شان کوتاه بیایند تا چه اندازه برای مدیران فوتبال ایران بی‌ارزش است که اگر نبود به بهانه فیلترینگ در ایران و در واقع به دلیل سفر به سوئیس جهت خوشگذرانی درخواست برگزاری حضوری جلسه دادرسی در CAS را نمی‌دادند تا دادگاه عالی ورزش ضمن رد این خواسته تأکید

کرده یا کالدرونی که اتفاقاً مانند سرمربی سابق و ایتالیایی استقلال عملکرد فنی قابل دفاعی داشت، اما یک نیم‌فصل هم صبوری کرد تا انصاریفر، مدیرعامل وقت پرسپولیس به تعهدات مالی خود عمل کند و وقتی این اتفاق رخ نداد دیگر چاره‌ای پیش‌رویش نمانده بود جز فسخ یک‌طرفه قرارداد و شکایت بردن به فیفا جهت دریافت مطالباتش.

در واقع طبق قوانین فیفا اگر یک باشگاهی نتواند دو ماه یا بیشتر به تعهداتش عمل کند و دو ماه یا بیشتر، دستمزد بازیکن یا مربی تحت قراردادش را بپردازد، آن بازیکن یا مربی می‌تواند اقدام به فسخ یک‌طرفه قراردادش کند. البته به شرط آنکه به باشگاه اخطاری ۱۵ روزه برای پرداخت مبلغ موقوفه بدهد. اخطاری که در صورت عدم توجه جهت پرداخت مطالبات بازیکن یا مربی، او می‌تواند براساس آنچه در بند اول ماده ۱۴ مکرر RSTP گنجانده شده است، اقدام به فسخ یک‌طرفه کند و دنبال دریافت مطالباتش از راه‌های حقوقی باشد.

قانونی که در تمام دنیا قابل اجراست و تنها مختص فوتبال ایران نیست، اما در عین نابوری و در کمال تأسف در ایران بیشترین کاربرد را دارد، چراکه عمدتاً مربیان و بازیکنان خارجی با بی‌مسئولیتی مدیران فوتبال ایران مواجه می‌شوند و چاره‌ای جز استفاده از این بند قانونی برایشان نمی‌ماند.

حال سؤال اینجاست که چرا باید برای بازیکنان و مربیانی که ناچار به استفاده از قانون می‌شوند ممنوعیت (حضور مجدد در ایران) ایجاد کنیم، وقتی مقصر اصلی تمام این داستان‌ها مدیرانی هستند که سال‌هاست دانسته یا ندانسته علاوه بر حیف و میل

پاک کردن صورت مسئله هیچ دردی را دوا نمی‌کند. بی‌تردید فوتبال ایران تا به امروز بابت فسخ یک‌طرفه قرارداد مربیان و بازیکنان خارجی ضربه‌های مالی سنگینی را متحمل شده، اما ممنوعیت حضور برخی مربیان نمی‌تواند از حجم این ضررها بکاهد، وقتی مقصران اصلی مدیرانی هستند که اعتقادی به انجام تعهدات خود ندارند.

درست است که وضع قوانینی، چون داشتن رزومه قابل قبول، سقف قرارداد و بررسی کیفیت بازیکنان و مربیان تا حد زیادی می‌تواند مانع از حضور خارجی‌های بی‌کیفیت در فوتبال ایران و به‌جا گذاشتن هزینه‌های هنگفت باشد، اما اصل ماجرا مدیرانی هستند که علاوه بر عقد قراردادهای پرهیب و ایراد، به تعهدات خود عمل نمی‌کنند و باعث افزایش روزافزون پرونده‌های شکایت از فوتبال ایران در فیفا می‌شوند.

باید به جای اتخاذ تصمیم یا وضع قانونی برای عدم حضور مجدد امثال استراماچونی، موسیما، کالدرون و رادووشویچ قانونی وضع کنیم تا دست مدیران را برای حیف و میل‌های مالی ببندیم و آنها را موظف به عقد قراردادهای معقول و عمل به تعهداتشان کنیم، وگرنه ایجاد ممنوعیت برای بازیکنان و مربیانی که به دلیل فسخ یک‌طرفه قراردادهای خود جهت دریافت مطالباتشان دست به دامان فیفا شدند، تنها دست مدیران نالایق را در فوتبال ایران باز می‌گذارد و جز آن هیچ سود دیگری نخواهد داشت. چه دلیلی دارد حضور استراماچونی در فوتبال ایران ممنوع شود، وقتی او طبق قوانینی که در سراسر دنیا وجود دارد به دلیل عدم دریافت مطالباتش با وجود دادن نوتیس اقدام به فسخ یک‌طرفه